

در تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی چهار آذر که به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد: صدها هزار تن از مردم، آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند



راهپیمایان قاطعانه از خود مختاری خلق کرد و صلح عادلانه در کردستان حمایت کردند

طرح مشترک صلح هیئت نمایندگی خلق کرد

خلق قهرمان کرد از هیئت نمایندگی خود طرح مسئله صلح آن یکپارچه پشتیبانی می کند.

بعد سال تلاش برای باستان بخشیدن به جنگ تحمیلی در کردستان و آزادی مردم کردستان و ویژه کردستان سرخوایست اساسی خلق کرد و جهت پاسخ به خواست مردم قهرمان کردستان دایره اتحاد هر چه بیشتر نیروهای جنبش مقاومت، طی مذاکراتی که میان شخصیت ها و نیروهای ملی و مترقی که در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت فعال دارند، مسورت گرفت. آنها در مورد اتحاد هیئتی مت عنوان هیئت نمایندگی خلق کرد مشکل از: سید عبدالدین حسینی، حزب

بدر سال تلاش برای باستان بخشیدن به جنگ تحمیلی در کردستان و آزادی مردم کردستان و ویژه کردستان سرخوایست اساسی خلق کرد و جهت پاسخ به خواست مردم قهرمان کردستان دایره اتحاد هر چه بیشتر نیروهای جنبش مقاومت، طی مذاکراتی که میان شخصیت ها و نیروهای ملی و مترقی که در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت فعال دارند، مسورت گرفت. آنها در مورد اتحاد هیئتی مت عنوان هیئت نمایندگی خلق کرد مشکل از: سید عبدالدین حسینی، حزب

بقیه در صفحه ۱۳

سر مقاله

ما و جنبش مقاومت خلق کرد

جنگ تحمیلی در کردستان که در پی هجوم لجام گسیخته نیروهای سرکوبگر شعله ور شد، دارای خصوصیات پیچیده ای است که بدون درک آن، اتخاذ موضع درست در این باره برای نیروهای انقلابی ممکن نیست. آنچه در ارزیابی ما پیرامون جنبش خلق کرد اهمیت اساسی می یابد، کیفیت خود این جنبش و چگونگی پیوند آن با جنبش سراسری طبقه کارگر است.

خلق کرد مثل دیگر خلق های ایران سالها در درازای است که از سلطه امپریالیسم و استعمار و سیستم سرمایه داری وابسته رنج می برد خلق کرد نه تنها تحت استعمار شدید امپریالیسم و سرمایه داران و خوانین فئودال قرار دارد، بلکه علاوه بر آن از هرگونه حقوق ملی بی بهره است. حکومت برای خلق کرد پیوسته چهره های بیگانه و غیر بومی بود و تاریخ معاصر کردستان مالا مال از مبارزه خونین مردم کردستان در برابر حکومت مرکزی است.

در جنبش خلق کرد، نیروهای مختلفی که اقشار و طبقات خلق را نمایندگی می کنند تحت شعارهایی که بطور عمده حاکی از خواسته های ملی خلق کرد است، کنار هم قرار گرفته اند. بررسی روند عینی جنبش نشان می دهد که چگونه بر تائید و سرعت تبوده ای آن و عملکردهای سازمان های انقلابی مدافع طبقه کارگر، جنبش خلق کرد عمق طبقاتی می یابد. همچنان که شعار "مرگ شاه" برای نیروهای مختلف حاوی محتوای مختلفی بود، شعارهای ملی برای طبقات و اقشار مختلف خلق کرد نیز محتوای یکسانی نداشته و هر یک مافع طبقاتی خاصی را از پیشبرد مبارزه ملی در ممد نظر دارند. از این رو سازمان مادر کردستان و طبقه خود را پیشبرد مبارزه ملی در جهت خواست ها و اهداف درنجه را از پیشبرد مبارزه ملی در در این رابطه موضع پرولتری و بورژوازی آنها از یکدیگر متمایز می گردد که ماصف طبقه کارگر و صفت زحمتکشان را از دیگر طبقات و اقشار کردستان متمایز نموده و با در آمیختن آگاهی سوسیالیستی با مبارزات کارگران و دهقانان کردستان جنبش خلق کرد را در حد رشد و اعتلای آن در جهت گسترش اعمال "قدرت سوده ای" و در راستای تدارک انقلاب دمکراتیک خلق های ایران سم می دهیم. در حالیکه بورژوازی با محدودش کردن مرزهای طبقاتی، با حذف شعارهای طبقاتی کارگران و دهقانان و طرح یکسانه شعارهای ملی، جنبش کرد را در جهت گسترش اعمال "قدرت کردی" در احتیاج خود می گیرد. تا سونالسم کردی که بنانه ماهب غیر پرولتری خود "قدرت کردی" را تجسمی از آرمان "ملب کرد" می دانند و می گویند تا به شیوه های مختلف و انوع دگد آن حه را به اصطلاح همد می خواهند تا ما همان جبری است که حتمکسا می خواهند. حرب

بقیه در صفحه ۱۱

بدهای انقلاب و جنبش کارگری

شورای انقلاب اسلامی در اولین پیام ۲۶ آبان ماه خود پس از به دست گرفتن کامل قدرت اعلام کرد "از این تاریخ هرگونه اقدام به تحمیل و گروگان گیری و اعتصاب بهانه جویانه را عملی ضد انقلابی محسوب، نسبت به آن واکنش نشان خواهد داد." در پیام با تاکید بر تجربه شیلی و با اشاره محبول به گروهها آمده است: "تجربه شیلی و ونوئیس و تحریکات و تضعیف دولت سالوادور آلنده ملونی نشان باست و "انگیز منطقی و قدرت تحلیل سیاسی. اجتماع آبان کور شده است. بقیه در صفحه ۹

کارگران اصول تشکیل شورای کارکنان وزارت کار جمهوری اسلامی را قاطعانه رد کردند

در صفحه ۶

راهپیمایان یکپارچه فریاد می زنند:

"جواب تجاوز آمریکا مسلسل توده ها است"
کردستان خود مختار سنگر زحمتکشان علیه امپریالیسم
بدر راهپیمایی عظیم مردم، که به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد، بیش از دویست هزار تن از زنان و مردان مبارز تهران و هواداران واعصای سازمان شرکت داشتند. صفوف مقدم این راهپیمایی که از ساعت ۴ بعد از ظهر از جلوی دانشگاه تهران آغاز شد در ساعت ۲ بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

گفتگوی کوتاه

بایکی از رفقای سازمان آزادیبخش خلق ترکیه
(اتحاد مبارزه)
در صفحه ۷

نظری بر صفا آرائی های درون حاکمیت

در صفحه ۱۵

سرپرست رادیو تلویزیون

می خواهد خود را انقلابی جا بزند
در صفحه ۱۴

کارگران شرکت حفاری سد کو - سد ایران:

شرکتها و تاسیسات نفی آمریکائی، علی باید گردد
در صفحه ۵

کزارسی از ساززات صنادان کمیرسه (ترکمن صحرا)

اتحاد و همبستگی صیادان دریای خزر
در صفحه ۸

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

در تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی چهار آذر که...

بغما از صفحه ۱

۷/۱۵ بعد از ظهر نزدیک مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا رسد و -رحالی که اسبهای صف در میدان تردوسی بود. راهپیمایان سرای ستغافطنامه راهپیمایی خوش در حبابان ها زمین نشستنند. نطقنامه در ۴ نقطه و از درون سنی بوسهایی که به بلندگو محسوبند. خوانده شد. در طول راهپیمایی صف طویل و نشوده راهپیمایان رانجیگیری بیروند از دستهای به هم پیوسته و متحد کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، دانشآموزان و روشنگران در بر گرفته بود. در این تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی صدها هزار تن مردم از استقرار صلح عادلانه در کردستان و حقیقت خود مختاری خلق کرد قاطعانه حمایت کردند. طنین فریادهای "امپریالیسم خونخوار، این دشمن ستکار نابود باید گردد"، "امریکا، امریکا

حامی غارتگران، امریکا، امریکا دمس رحمتکش"، "صلح در کردستان، به نفع زحمتکشان" و "کردستان خود مختار، سنگرم رحمتکشان علیه امپریالیسم" و "شعاره فدایی استقلال، کار، مسکن، آزادی" مسیر راهپیمایی را به لرزه در آورده بود. شعارهای دیگر عبارت بودند از "در صورت تهاجم، ایران را سراسر ویتنام می کنیم"، "کردستان خود مختار با نظام شورائی ایجاد باید گردد"، "جواب تهاجم امریکا، امریکا، مسلسل توده ها"، "تفرقه و جدایی سلاح امریکائی"، "امریکا اسرائیل، دشمنان خلق ما" "به قدرت توده ها، توطئه امریکا دیگر اثر ندارد"، "ایران را گورستان امریکا می کنیم" و "هفتاد هزار کشته، صدها هزار زخمی، هرگز نباید سازش، هرگز نباید تسلیم" دهها هزار تن از مردم نیز در

قسمتی از قطعنامه راهپیمایی ضد امپریالیستی ۲ خرداد پنجاه و هشت

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همصدا با همه کارگران و زحمتکشان و همه نیروهای ترقی خواه میهن خواستار اعطای مجازات همه کارگران و عوامل مزدور امپریالیسم امریکا در ایران است و تحقق خواسته های زیر را ضامن ادامه انقلاب ایران می داند. ۱- از آنجا که امپریالیسم امریکا به هیچ وجه از منافع حیاتی خود در ایران دست بردار نیست و برای ادامه استعمار و غارت ایران همانگونه که تاریخ بر آن گواه است به هر دسیسه ای دست خواهد زد، باید برای جلوگیری از توطئه های امپریالیسم امریکاهمه عناصر وابسته به این دولت غارتگر از حاکمیت سیاسی طرد شوند. در غیر این صورت انقلاب ایران از مسیر ضد امپریالیستی خود منحرف خواهد شد. ۲- قطعنامه سنای امریکا دخالت مستقیم در امور ایران است و بدون تردید جزئی از توطئه امپریالیسم امریکابر علیه انقلاب ایران به حساب می آید. ما ادامه رابطه با امریکارابه هیچ وجه به سود خلق های ستمدیده ایران نمی دانیم و برای بنی اثر کردن توطئه های امپریالیسم امریکا خواستار قطع رابطه فوری با این دولت امپریالیستی هستیم. ۳- در این شرایط حساس که امپریالیسم امریکا می کوشد به هر وسیله ای که شده دستاوردهای انقلاب ایران را نابود سازد، هرگونه نفاق افکنی و تفرقه در صفوف کارگران و زحمتکشان ایران

مسیر راهپیمایی اجتماع کرده و شور و شوق انقلابی از راهپیمایی ضد امپریالیستی کموبست ها و مردم مبارز حمایت می کردند. مردمی که در پیاده رویها، سالکها و پست نام ها ایستاده بودند، نیز همصدا با راهپیمایان شعارهای ضد امپریالیستی راهپیمایان و شعارهای حمایت از صلح عادلانه در کردستان را تکرار می کردند. پس از چند ماه خفقان این بزرگترین راهپیمایی کمونیت ها و نیروهای مبارز بود. پس از راهپیمایی ضد امپریالیستی چهارم خرداد که در اعتراض به قطعنامه "سنای امریکا" به دعوت فدائیان و دیگر نیروهای ضد امپریالیست صورت گرفت، راهپیمایی روز یکشنبه ۴ آذر عظیم تر و پرشکوهر در پاسخ دعوتنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "برای اعلام بسیج و مادگی در برابر هر نوع تهاجم نظامی و تجاوز امپریالیسم امریکابه حقوق خلق های ایران و تحکیم همبستگی نیروهای ضد امپریالیست و ترقی بر گزار شد. متن قطعنامه در صفحه ۳

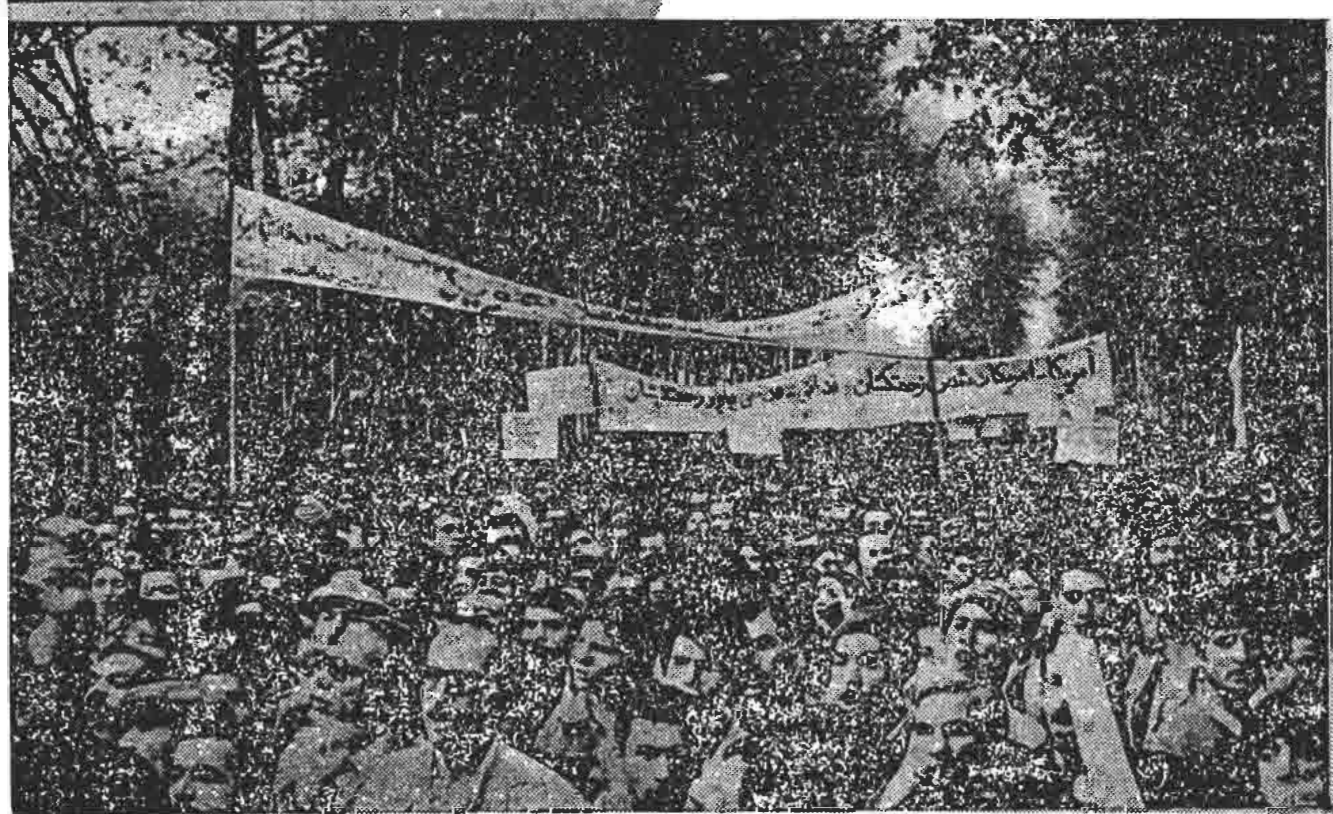
در حاشیه راهپیمایی یکشنبه

دستور حمله راه فالانزها صادر کرد و چنین گفت: "ای ملت، این کفار را باید نابود کنیم، اینها دشمن اسلام هستند، اینها را بزنید، تمام ماشین را خرید کنید". او این حرفها را از روی سقف یک ماشین آلبالوئی رنگ که کنار خیابان پارک شده بود به مردم می زد و آنقدر با احساسات و تحریک آمیز صحبت می کرد که حتی احساساتش بالگد کوبیدن روی سقف ماشین مذکور هم فروکش نمی کرد. (سقف ماشین بعد از لگد کوبیدن های شیخ حدود ۱۵ سانتی متر فرورفته بود) به هر صورت فالانزها با چوب و چماق و سنگ و مشت و هر چه دم دست داشتند به مینی بوس حمله کردند و صحن شکستن در و پنجره های

آنچه پیش از همیشه جلب توجه می کرد، حمایت فعال مردم از نیروهای مبارز و بیزاری آنها از مرتجعین قشری و قمع کشانی بود که می خواستند تظاهرات بر ضد امپریالیسم امریکاراهم بزنند. حمایت وسیع توده ها از این راهپیمایی خود نشانه شکست سیاسی مرتجعین قشری و بیانگر رشد سیاسی توده ها است. با همه تلاشی که دستجات اوایش قمع کش و مرتجعین قشری به سرکردگی ملای به نام هادی غفاری از خود نشان دادند، صفوف فشرده و یاتکوه راهپیمایان در میان حمایت شورانگیز مردم، ساعت ها در خیابان به تظاهرات ضد امپریالیستی خود ادامه داد و شیخ غفاری و دارودسته قمع کش او با همه فحاشی ها و تلاش های کودگانه شان نتوانستند صفوف ضد امپریالیستی مردم را بپراکنند و سازند و هر چند که این گروه ضد انقلابی با چوب و پنجه بکشت و قمع غیره به مردم حمله کردند و حتی کودک چند ساله ای را زخمی کرده و لباس یکی از زنان را بر تنش دریدند، اما ماتت انقلابی راهپیمایان و حمایت وسیع مردم و تلاش های چشمگیر نیروهای مذهبی ترقی خواه و ضد امپریالیست که مانع حمله اوایشان مرتجع شده بودند، این دارودسته ضد انقلابی را سخت تحقیر کرد. وقتی که مرتجعین ضد انقلابی به سرکردگی شیخ هادی غفاری به صفوف فشرده مردم بورش بردند، مردم سر نکار شعار "مرگ امریکا، مرگ امریکا" به درستی به آنها پاسخ گفتند و ماهیت دسته های اوایش را افشا کردند. بعد از خواندن قطعنامه حدود ساعت ۸ بعد از ظهر یکی از مینی بوس های سازمان که از حوالی خیابان فرصت می گذشت مورد حمله غفاری و دارودسته اش قرار گرفت. شیخ غفاری بعد از فحاشی که این مینی بوس را ماسن های سازمان است

مینی بوس سر نشینان آن را زخمی کردند. یک کودک نیز که به همراه مادرش به راهپیمایی آمده بود جزو زخمی شدگان این تهاجم بود که به نحو معجزه آسایی از مرگ نجات یافت. شیخ هادی علی رغم اعتراض تعدادی از مردم که می گفتند: "حاج غفاری، خودمان دیدیم، یک کودک زخمی شده دیگر بس است" می کوشید هر چه بیشتر مرتجعین و عناصر ناآگاه را تحریک کرده و جلوی حرکت مینی بوس را با تیر و جبهه ها بگیرد. یک دشمنان سر، ماشین دیگری رفت و گویا "ای ملت این مینی بوس را بزنید". در همان حال مردم گروه های سیاسی مختلف بودند. شیخ راززوی ماشین پانچیس آورده و مانع از انجام تحریکات توطئه گرانه وی شدند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۲ خرداد ۵۸



هوچیکری "توده‌ایها" نمی‌تواند دشمنی آنان را نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد بفراموشی سپارد

"حزب توده" اخیراً در روزنامه "مردم" با اتخاذ یک سیاست "حق به جانب" به هوچیکری و عوام‌فریبی علیه کمونیست‌های ایران پرداخته است و همزمان می‌گوید زیر پوشش این هوچیکری‌ها روش خصمانه خود را علیه خلق کرده که در جریان جنبش مقاومت مردم کردستان به بارزترین وجهی در سیاست‌های "حزب توده" منعکس شد، از چشم توده‌ها به‌ویژه از چشم خلق کردپنهان کند. "توده‌ای‌ها" می‌خواهند هم سیاست خود را عاقلانه و درست در پیروزی مردم شریک شوند.

در این مقاله می‌کشیم نشان دهیم "حزب توده" که اینک می‌خواهد از پیروزی جنبش مقاومت خلق کرده سود سیاست‌های تسلیم طلبانه و عوام‌فریبانه خود بهره برداری کند، چگونه هنگامی که فرزندان دلاور کردستان با پایداری در برابر یورش ارتجاع به مقاومت برخاستند، آنان را "وابسته به امپریالیسم" و "صهیونیسم" "ساواکی"، "گروم‌تصعب" و "ضدانقلابی" خواند. مردم می‌ایند بدانند که "توده‌ای‌ها" چرا و چگونه در کیسه سردار سرکوب کردستان به دشمنی با خلق کرد پرداختند. مردم باید بدانند که "مردم" کیست و از چه کسانی دفاع می‌کند؟

تاریخ در زمین کردستان همان درسی را به سرکوبگران داد که خلق‌های ایران در بهمن ماه به ارتش ضد خلقی داده بودند. سیاست سرکوب خلق کرده‌ها به نیروی جنبشی سرکوبگران، با همه قتل‌عام‌ها، با همه اعدام‌های وحشیانه و با همه تبلیغات عوام‌فریبانه‌ای که از طریق رادیو-تلویزیون برای درهم کوبیدن روحیه خلق‌های ایران به ویژه خلق کرد صورت گرفت با چنان شکستی روبرو شد که در تاریخ مبارزات میهن مایه سابقه است.

خلق کرد بسیار سرمتراز آنچه تصویری رفت نیروی شکست ناپذیر خلقی به پا خاسته را متجلی ساخت و بار دیگر سلاح پیشرفته و ارتش ضد خلقی در برابر اراده خلق خوار و ذلیل شد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، پیش از آن که ارتجاع به دفاع از سازمان‌های سیاسی حمله کند و پیش از آن که روزنامه‌ها توقیف شوند، با تحلیلی که از وضعیت جناح‌های حاکم داشت حمله به کردستان را پیش بینی کرد. (سرمقاله کار شماره ۲۲ - دوشنبه ۲۲ مرداد)

سیاست سرکوب خلق کرده که خواست جناح ارتجاعی طرفدار سرمایه‌داری وابسته بود، در بیشتر گرایش‌های ارتجاعی و ضد کمونیستی قشریون شکل گرفت و چمران در نقیض ناپلئون وطنی رهبری سرکوب را به عهده گرفت.

دو هفته پس از پیش‌بینی ما تهاجم از پناه آغاز شد. در آن زمان کمونیست‌ها به خوبی می‌دانستند که این تهاجم را مرتجع‌ترین جناح هیئت حاکمه که خواستار تثبیت سرمایه‌داری وابسته است، طرح تدارک دیده است. خلق کرد خواستار جنگ نبود، بلکه خواستار حق تعیین سرنوشت خود بود و البته همانگونه که نشان داد، آماده بود برای تحقق هدف‌های عادلانه خویش در برابر هر تهاجمی از خود دفاع کند.

اینک بیش از سه ماه از تهاجم گسترده سرکوبگران به کردستان می‌گذرد و سیاستی که خواستار سرکوب خلق کرده و تحکیم سلطه سرمایه‌داری وابسته است، در برابر مقاومت قهرمانانه خلق کرد و نیروهای انقلابی مدافع رجمتکشان شکست خورده است. در این میان احزاب و سازمان‌های فرصت طلب و سازشکار که بنا بر ماهیتشان آن را به نرخی روزمی‌خورند، وقتی علی‌رغم آرزوی دیرینه خود را رودر روی جنبش پیروز مند خلق کرد یافتند، رنگ دیگری به خود گرفتند و سعی کرده‌اند خود را مدافع خلق کرد جا بزنند.

"حزب توده" پیشاپیش این نیروهای سازشکار و پرمعنا تر از دیگران با زهم مثل همیشه طلبکار شد. (در جریان انتخابات مجلس "خبرگان" هم وقتی یکی از کاندیدهای "حزب توده" ساواکی از گارد راستی، "توده‌ای‌ها" با ظاهر حق به جانب گناه ساواکی بودن عضو برجسته خود را به گردن دیگران انداختند.) آنها تصویری کنند مردم مواضع کینه توزانه آنها را علیه خلق قهرمان کرد و دیگر سازمان‌های مبارز کردستان فراموش کرده‌اند. در اینجاست که بدانییم چرا "حزب توده" خواستار تسلیم خلق کرد در برابر یورش سرکوبگران شد و نیز لازم است از خود بپرسیم که اگر به فرض حال چنین سیاست تسلیم طلبانه‌ای در توده‌های کرد و در نیروهای سیاسی خلق کرد اثر می‌کرد، امروز جنبش ضد امپریالیستی خلق‌های ایران در چه وضعیتی قرار داشت و سیاست ارتجاعی سرکوبگران در چه وضعیتی؟

این سوالی است که بدون تردید هر انسان آگاه،

مبارز و صادمی بدان پاسخ درست خواهد داد، اما بدون شک "توده‌ای‌ها" نمی‌توانند به آن پاسخ صحیح بدهند و مجبورند با هزار حيله و نیزنگار پاسخ به این پرسش ظفره روند. چرا که این شیوه برخورد رمز موجودیت ایورتونیسیم است و آنها اگر چنین نکنند به مکتب خود خیانت کرده‌اند.

این واقعتاً امروز هر عنصر آگاهی می‌داند که وقتی تهاجم علیه خلق کرد آغاز شد، "توده‌ای‌ها" نیروهای پیشتاز جنبش مقاومت خلق کرد را که پیشاپیش مردم قهرمان کردستان در برابر سرکوبگران به مقاومت برخاسته بودند، عوامل امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم سابق معرفی کردند و همصدا با تبلیغات عوام‌فریبانه رادیو-تلویزیون کوشیدند در ذهن توده‌ها مرز میان نیروهای انقلابی و ضد انقلابی را درهم بپزند. اما جنبش مقاومت خلق کرد و انقلابیون جان برکف آن بی‌اعتنا به "حزب توده" و اتهامات خائفانه و تبلیغات عوام‌فریبانه روزنامه "مردم" دلاورانه از آرمین خویشتن به دفاع برخاستند و جنبش مقاومت خلق کرد خیلی زود سرکوبگران را به زانو درآورد و تسلیم طلبان و عوام‌فریب‌ها را رسواتر ساخت و نقش شایسته‌ای در اوچیکری مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران بازی کرد. امروز که به برکت تسلیم ناپذیری و پایداری افتخار آفرین توده‌ها در کردستان و سایر نقاط میهن مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های مادوباره اوجی تازه می‌گیرد، "حزب توده" با قیافه‌ای حق به جانب می‌خواهد موضع تسلیم طلبانه و سازشکارانه خود را که علناً با جنبش مقاومت به دشمنی برخاسته بود، به دست فراموشی سپارد و خود را کارگر خلق کرد جا بزند.

ولی، حقایق دودوره بازی و سیاست بازی آنقدر پرتنگ نیست که بتواند برای همیشه چهره "توده‌ای‌ها" را از چشم توده‌ها پنهان کند.

در گرماگرم تهاجم سرکوبگران در کردستان، هنگامی که روستائیان کرد قتل‌عام می‌شدند و فاجعه قارنا همه رجمتکشان و نیروهای ترقیخواه ایران و جهان را به خشم آورده بود، و هنگامی که بهترین فرزندان خلق را دسته دسته به جوخه اعدام می‌سپردند، "توده‌ای‌ها" همگام و همصدا با چمران‌ها، خلق‌های او قطب زاده‌ها فرزندان دلاور کردستان را که در برابر یورش سرکوبگران از اهداف عادلانه خود به دفاع برخاسته بودند عامل "صهیونیسم" و "امپریالیسم" می‌نامیدند. صد این خیانت‌ها در این شماره و شماره‌های بعد ارائه می‌شود. اما پیش از آنکه این اسناد بدنیست به نظرات "حزب توده" در باره شیخ صادق خلخالی جلاّد خلق کرد، اشاره کنیم.

"توده‌ای‌ها" نه تنها سیاست‌های ارتجاعی، بلکه افراد و عناصری مثل چمران و قطب زاده و خلخالی را نیز با خرده بورژوازی ضد امپریالیست یکی می‌گیرند. این عناصر را شخصیت‌های ضد امپریالیست و دمکرات‌های انقلابی اعلام می‌کنند و گمراهی می‌رسانند که خلخالی را در انتخابات مجلس خبرگان کاندیدای مورد حمایت خویش اعلام می‌کنند. به سند زیر که بیانگر "درک علمی" کمیته مرکزی "حزب توده" از شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی است توجه کنید.

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به جهت اعلام میدونی
موسوی رای خواهند داد.
حزب توده ایران،
ضمناً اعلام میدارد که در هر
نقطه‌ای که آیت‌الله صادق
خلخالی نامزد باشند، به
به ایشان رای خواهد
داد.

**کمیته مرکزی
حزب توده ایران**
۱۳۵۸۰۵۰۹

آری، "توده‌ای‌ها" صادق خلخالی را برای هر نقطه از ایران شایسته و مناسب می‌دانند. نظر خلق کرد در این مورد چیست؟ راستی، "توده‌ای‌ها".

هنگامی که خلخالی، کاندیدای مورد حمایت "حزب توده" برای مجلس خبرگان، دوتن از اعضای "حزب توده" را در کرمانشاه به جوخه آتش سپرد، (و در دنباله برای نخستین بار بود که کاندیدای یک حزب اعضای آن حزب را اعدام می‌کرد) "توده‌ای‌ها" مؤذنهانه به در پیروزی نشستند و کمیته مرکزی چنین اعلام داشت.

"بازداشت و اعدام بی‌رسیدگی و محاکمه دوتن از هواداران حزب توده ایران که به تمهید اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطهای با گروه‌های افراطی و چریک‌های کردستان (تا کیدازما است) نداشتند..."

(بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۶ شهریور ۵۸)
توده‌ای‌ها در روزنامه "مردم" شماره ۷۷ پنجمین ۱۲

مهرماه نیز چنین نوشته‌اند.
"اتهامی که علیه آنها عنوان شد این بود که گویا آنها "ضدانقلابی" و "اخلالگر"، "مفسرک" و "شریک در فعالیت‌های حزب دمکرات کردستان" و از شرکت کنندگان در "حوادث پاره" بوده‌اند. ما این اتهامات و نسبت‌ها را قویاً رد و تکذیب می‌کنیم... آنها در ادامه همین بحث و در همین شماره چنین می‌نویسند.

"نسبت دادن این دو عضو سازمان به "شرکت در فعالیت‌های حزب دمکرات کردستان" به کلی واهی و بی اساس است..."

اما امروز که جنبش مقاومت خلق کرده به پیروزی‌های چشمگیر دست یافته است، دیگر برای "حزب توده" رابطه با دمکرات‌ها نه تنها "اتهام" واهی و بی اساس به حساب نمی‌آید و این "اتهام" را قویاً رد و تکذیب نمی‌کنند بلکه می‌خواهند هر طور می‌شود نشان دهد که چنین "رابطه" ای را با "دمکرات‌ها" داشته و دارد. "حزب توده" اینک که جنبش مقاومت به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته است با عوام‌فریبی می‌کوشد خود را به "چریک‌های کردستان" وصل کند و مویه‌ها خون شهدای کرد را به سود سیاست‌های عوام‌فریبانه خود درو کند.

سند زیر نشان می‌دهد که امروز چگونه "حزب توده" ضمن آن که می‌کوشد میان نیروهای سیاسی خلق کرد اختلاف بیندازد، خود را به حزب دمکرات می‌چسباند. "مردم" شماره ۱۰۲، دوشنبه ۵ آذرماه چنین می‌نویسد.

"به دنبال حرکات تحریک آمیز، نفاق افکنانه و خرابکارانه ما کمیته‌ها علیه حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان که به قصد اخلال در مذاکرات به منظور حل مسأله آیزم مسئله کردستان در روز جمعه و شنبه در مهاباد صورت گرفتند..."

هنگامی که "توده‌ای‌ها" اجازه انتشار مجدد روزنامه "مردم" را گرفتند، به شکرانه این نعمت، تمهید و افترا به نیروهای انقلابی را با شدتی بیش از گذشته ادامه دادند و بی درنگ اعلام داشتند که کسب این اجازه نتیجه سیاست درست حزب بوده است. مطابق این استدلال حمله به دفاع از سازمان‌های سیاسی و توقیف مطبوعات نتیجه سیاست ضد دمکراتیک ارتجاع نبوده بلکه نتیجه سیاست نادرست و "چپ روی" آن نیروها و آن نشریات بوده است. بنا به این استدلال عناصر مرتجعی که روزنامه‌ها را توقیف کردند هیچ تقصیری ندارند، تقصیر از آن کسانی است که نافرمانی می‌کنند و بر مواضع ترقیخواهانه خود پستی می‌فرستند و به "حزب توده" چپ روی می‌کنند. لایسند وقتی دوتن از اعضای حزب توده به دستور خلخالی جلاّد به جوخه آتش سپرده می‌شوند نیز خلخالی‌هایی تقصیر نند بلکه علت این فاجعه چپ روی "حزب توده" و "با" چپ روی آن دو شهید بوده است.

حزب توده همیشه کوشیده است در پناه ایورتونیسیم با "چپ روی" (بخوان با کمونیسم) مبارزه کند و نیروهای کمونیست را به راه است هدایت کند. "توده‌ای‌ها" همزمان با تهاجم همه جانبه ارتش و سپاه پاسداران در کردستان اعلام می‌دارند که:

"به توده‌های آگاه و روشن بین (تا کیدازماست) خلق کرد پیشنهاد می‌کنیم "باتمام نیرو و ابتکار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با نیروهای دولتی و پاسدار احتراز کنید..." (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان - ۲ مهرماه)

پس، "توده‌ای‌ها" بی‌شرمانه تسلیم خلق کرد و نیروهای انقلابی و شکست جنبش مقاومت خلق را خواستار می‌شوند و اعلام می‌دارند که هر کس در برابر تهاجم و سرکوب ارتش و سایر نیروهای سرکوبگر اهداف خلق کرد از خود دفاع کند، هر کس در برابر یورش‌های که برای نابودی نمرات انقلاب ایران تدارک دیده شده است مقاومت کند، یا کورودل و ناآگاه است یا ضدانقلابی و "ساواکی" و "مامسل امپریالیسم" و "مزدور با لیزبان" و "گروم‌تصعب" می‌نامد.

"حزب توده" در روزنامه "جرقنو" (چهارشنبه ۴ مهر ماه شماره دوم) چنین می‌نویسد.



کارگران شرکت حفاری سدک - سد ایران

شرکت ها و تاسیسات نفتی آمریکائی ملی باید گردد

توطئه اخراج کارکنان مبارز لیفت تراک سازی تبریز، نقش بر آب شد

درهم مکنس معاومت توطئه تیران شد.

کارگران بشرو ماسین سازی تبریز ضمن اعلامیهای این حرکت انقلابی راستنوده می نویسند:

"پیروزی کارگران کارخانه لیفت تراک سازی بمحمد کارگران ایران تعلق دارد. آنها را دیگر ثابت کردند که فقط با اتحاد و یکپارچگی اسبگه می توان بسا زورکوتی های سرمایه داران و عمال آنها مقابله کرد و پیروز شد. اینک نیز تنها حمایت و پشتیبانی دیگران کارگران لیفت تراک سازی و برای پیگیری مبارزه و ندادن آن بایستی متحد شویم و این همبستگی را در سراسر میهنمان و جهان گسترش دهیم. بدون چنین اتحادی، پیروزی های به دست آمده هم موقتی خواهد بود.

مبارزه و پیروزی کارگران لیفت تراک سازی در امر بازگرداندن این کارمندان اخراجی بر سر کار، سنانگر آگاهی آنان به مسائل مبرم جنبش کارگری است. بالطبع این مبارزه لزوم برانداختن امپریالیسم و نوکتران زالوصفت آن خواهد داشت. اینها دیوانه و ارسعی در سرکسوت مبارزات کارگران نموده، مبارزین رانخت شدیدترین فشارها قرار خواهند داد. اما کارگران مبارزات خود را تا پیروزی نهائی ادامه خواهند داد.

"بگذار بورژوازی از بیداری کارگران برخوردار شود، کارگران چیزی ندارند که از دست بدهند جز زنجیرهایشان."

کارگران بشرو ماسین سازی تبریز

به دنبال اخراج یکی از کارکنان مبارز کارخانه لیفت تراک سازی سهند، کارگران این کارخانه روزیکشنبه ۶ آبان ماه ۵۸ دست به اعتراض جمعی زده و دست از کار کشیدند. آنها اعلام داشتند که اخراج این کارمند زمین سازی برای اخراج دیگر کارکنان مبارز کارخانه است و خواستار لغو هرگونه اخراج و معرفی حاسوباسی که مقدمات این اخراج را فراهم کرده بودند، شدند.

مدیرعامل کارخانه که از حرکت سریع و یکپارچه کارگران متحجر شده و به هراس افتاده بود در جمع کارگران حاضر شده و با عوامفریبی سعی کرد به اعتصاب کارگران پایان دهد. او میزورانه گفت:

"اصلا موضوع اخراج در بیسن نیست. اوفقط از کارکنان شده است. یکی از کارکنان در جواب گفت:

"آقای مدیرعامل شما کلمات بازی می کنید. از نظر ما اخراج و برکناری فرقی ناهم ندارند. ما خواهان لغو هرگونه اخراج هستیم و این اخراج را زمینه سازی برای اخراج های بعدی می دانیم. ما کارگران اخراجی دو سال قبل را به کارخانه برگردانده ایم. چطور کسی را به سهانه دوهفته عیب اخراج می کنید؟" مدیرعامل گفت:

"اخراج کارگران اخراجی خواست اکثریت بود. یکی از کارگران گفت: "الان هم اکثریت می خواهند" که با تائید یک بار خد کارگران روبرو شدند و مدیرعامل احسارا تسلیم شد. کارمندان اخراجی همان روز به سرکار بازگشت و بدین ترتیب اتحاد رزمجوبانه کارگران موحس

نمی شود. استاندار خوزستان در یادار مدعی، که البته معلوم نیست به سوانه چه سافسه در حسابی خود را کاندید ریاست جمهوری کرده اند؟ (طرفداران ایشان به پاس خدماتی که در گذشته به رژیم پهلوی نمودند و ناچوشناسی که از آنها مبرور دریافت کرده اند و با بست های که به مرکب انفلات اسلامی اشغال کرده اند و به حکم انجام وظیفه مقدس امری به کشتار خلق عرب و انقلابیون کمر همت بستند. ایشان را نامزد ریاست جمهوری کردند) بله آقای در یادار مدعی. مثل همیشه علیه کارگران و زحمتکشان به پاخواست و در تانهای به شرکت های آمریکائی نوشت:

"شورای کارگران حق دخالت در امور شرکت را ندارد" مدعی سا خشم دستور داد، "شورائی را که با از گلیم خود بیرون گذاشته منحل کنید" بله. این آقای در یادار با نفرت فرمان داده است "در صورتی که کارگران مقاومت کردند چگونگی رابه استانداری اعلام و این قبیل افراد را با نام معرفی فرمائید."

اما ای سخ کارگران سده اظهارات استناد خوزستان چه بود؟ کارگران طی اجتماععی گفتند:

"ما کارگران "سد ایران" تمام توطئه ها و نقشه های کثیف عمال رژیم گذشته و ابادی خونخوار امریکارا شنیدیم محکوم می کنیم. ما کارکنان پشتیبانی را سخ و قاطع خود را تا آخرین قطره خون از شورای اسلامی شرکت اعلام می داریم."

سارمان جریک های مدانی خلق ایران، اقدام انقلابی کارگران "سد ایران" و "سدک" را می ستاید و با تمام نیرو از آن پشتیبانی می کند. تردید ندارم که اراده سملون ها مردم رحمکن ایران در بنگار علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا، این دشمن اصلی خلق ما محکم بر سر سواد این اقدام انقلابی کارگران است.

است دست به راهبیمانی زدند کارگران در این روز مورد سورت عنصرا آگاه فرار کردند. روز بعد در طرفداری ارحلی کرد راهبیمانی کردند که ارهم مورد حمله ارتجاع فرار کردند. راهبیمانی های کارگران سده روز بکرار سده و هر بار سیز آنها که جز شعار ناسودنی سرمایه دار و کوناهای دست ارجاع از کردستان می دادند مورد حمله فالانها قرار گرفتند

تخلیصان روس ننده و تا این لحظه عملا برای امریکاکار می کنیم، به همین علت با توجه به سخنان اخیر امام ما خودمان وارد عمل شده و از تاریخ ۹ آبان ماه ۵۸ سوال شرکت های حفاری نفت "سدک" "سد ایران" را ملی اعلام می کنیم. جهانگیر رفوئی سرپرست مناطق نفت حیر و عضو هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران. در مخالفت با اقدام انقلابی کارگران حاسب سرمایه داران امریکائی و شرکای ایرانی آنها را گرفت و در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات، شنبه ۹ آبان چنین می گوید:

"در مورد شرکت "سد ایران" نیز باید توجه داشت که این شرکت یک شریک ایرانی (بانک توسعه صنعتی) دارد و ما نمی توانیم چشم بسته بدون در نظر گرفتن منافع بانک اقدام کنیم."

از مجموع صحبت های آقای جهانگیر رفوئی چنین بر می آید که گویا بانک دارای سهام داران خصوصی است که ایشان وجه جمهوری اسلامی باید از منافع آنجمن پاسداری کند. در این صورت کارگران می پرسند پس هیاهوی "ملی کردن بانکها" چه بود؟ و اگر غیر از این است باید از آقای رفوئی پرسید مگر اقدام کارگران جز "ملی کردن بخش امریکائی شرکت یعنی آن بخشی که "ملی" شده است، معنی دیگری دارد؟ در این صورت در نظر گرفتن منافع شریک ایرانی دیگر چه صیغه ای است. مگر اینک که

بپذیریم دولتی کردن بانک ها هیچ ربطی به مضامین انقلابی سرمایه های امریکائی و شرکای ایرانی آنان نداشته است. که در این صورت ما هم موافقم تنها باید از آقای "جهانگیر رفوئی" سرپرست مناطق نفت خیز و عضو هیات مدیره شرکت ملی نفت تنگتر نمود که برده عوام فریبی دولت آقای ماررگان رلدرد سده و حقیقت ها هوای اسان را بر ملا

مخالفت مقامات جمهوری اسلامی با اقدام انقلابی کارگران به آقای "رفوئی" محسود

یکی از آموری های انفلات آنکار ساحب نفس قاطع طعنه کارگران ایران در سیرد جنسین صد امپریالیستی - دمکراتیک مسین ما بود. مانی عیس رادر وارگویی رژیم پهلوی ناهد بودیم و دیدیم که این قدرت کارگران بود که ساطط طعنه پهلوی را بر حید. با آنکه همانند کار سرمایه داری سیر اعتراف کردند که کلوی دسو استبداد در پهنه های قدرتمند کارگران سزده شد و کارگران بودند که دیواستنداد را راری در آوردند. امروز سیریکار دیگر مناهسده می کیم که حکومت کارگران بی گبر اره رنیروی دیگری در عرصه مبارزه صد امپریالیستی به یکبار بسا امپریالیسم امریکایر خاسته اند.

منظور کارگران از مبارزه بسا امپریالیسم براداختن سرمایه داری وابسته ایران و سبایا ناسودی سرمایه داری است. وقتی کارگران در بانده معنای مبارزه بسا امپریالیسم در ایران، همان مبارزه با سرمایه داری ایران است که وابسته به امپریالیسم می باشد در این مبارزه مصمم تر و پیگیر تر خواهند شد. کارگران باید بدانند که طبقات و افتار دیگر، نه برای ناسودی سرمایه داری، بلکه به منظور به دست آوردن سیمی بیشتر از دسترنج کارگران و زحمتکشان بسا امپریالیسم مبارزه می کنند. آنها برای ناسودی امپریالیسم مبارزه می کنند و به اس دلیل همیشه آماده سازن و محالجه ما امپریالیسم هستند.

آنچه که گفتیم با نمونه های کوچک هر برگ قابل اثبات است. از جمله در تاریخ شنبه ۹ آبان ماه جاری، به دنبال تسخیر سفارت امریکا، کارگران ایرانی ۲ شرکت حفاری نفت امریکائی در منطقه جنوب (اهواز) دست به اقدامی انقلابی زدند. کارگران شرکت حفاری نفت "سدک" "سد ایران" طی اطلاعیهای که خطاب به مردم ایران سوشند اعلام کردند:

"ما کارگران شرکت حفاری سدک - سد ایران با وجود کلیه وعده و وعیدهای که از طرف مقامات مسئول به ما داده می شود همسور

اعتصاب کارگران شهرداری جزیره قسم

دانش آموزان به پشتیبانی از کارگران راهبیمانی کردند.

- ۱- (ویفقط ملتی، سد رسو، سد مالکیت کامل)
- ۲- رسمی کردن کارکنان سماعی
- ۳- استخدام کارگران کارسی واحد ترابط
- ۴- واگذاری زمین به کارگران جهت ایجاد خانه
- ۵- ارسال و بیکیری خواسته های کارگران به مقامات بالا ادفرامام
- ۶- محسور سزی، وزارت کسور
- ۷- دانش آموزان راهبیمانی و در سستان قسم سزده عنوان سساستی از جواسیدهای کارگران طی سسک راهبیمانی به کارگران سسجور
- ۸- سد دولتی اعلام مدانی به مقامات
- ۹- احطار کردن، سساحسسد جواسندهای کارگران حوات مسس داده شود کلاس های درس را تعطیل کرده به کلاس جواسهند رسب

مدیر حسرامده جواسان سارمان سسک های فدایی خلق ایران سسدر سساستی سس

کارگران پالایشگاه آبادان

لغو تعطیلی پنجشنبه ها را نپذیرفتند

راهبیمانی های کارگران آبادان مورد حمله عناصر ارتجاعی قرار گرفت

در سرفرمین فرور برغت سد آبادان که اواخر مهر صورت گرفت وقتی در جمع نعتگران در مورد لغو تعطیلی پنجشنبه ها صحبت می کرد با عکس العمل ندید نعتگران که او و همراهانش را "هو" می کردند و سروسود. بعد از این سحراسی کارگران مبارز پالایشگاه در اعتراض به سخنان صد کارگری با سسسار "سشنسها تعطیل باید گردد. سرمایه دار نابود است، کارگر سیرور

آبادان - کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان علیرغم تمام تبلیغات هیئت حاکمه فعلی مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه ها روز پنجشنبه پنجم آبان از رفتن سرکار خودداری کردند. نعتگران می گویند این تعطیلی را کارگران از طریق مبارزه تا مین کرده اند و باید به رسمیت شناخته شود. حتی شاه جاش هم نمی توانست کارگران را در این روز سرکار بفرستد.

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴۰ ساعت تقلیل یابد

کارگران " اصول تشکیل شوراهای کارکنان "

وزارت کار جمهوری اسلامی را

قاطعه رد کردند

تظاهرات بیکاران در سراسر ایران

بیکاران بروجرده حمله کنندگان به راهپیمایی خود را دستگیر کردند .
امادادستان نفاضی " مدرک " می کرد .

بیکاری همچنان بیداد می کند .
میلیون ها بیکار در سراسر ایران
چندین ماه است خواهان کارسرا
گذران زندگی خود هستند .
گروهی از این بیکاران را کارگران
بیکار شده تشکیل می دهند و گروه
دیگر شامل فارغ التحصیلانی است
که نتوانسته اند شغلی برای خود
به دست آورند . این بیکاران که

روشن بدن تلف سباهی جوراها به
همان شکل ساده عمل نمایند و
دستور العمل صادر شده مورد
تائید نیست .
سندیکای کارکنان بانک ها ،
شوراهای کار خاجات مینویپارس -
الکترونیک ، صنایع فولاد ، نیروگاه
شهریار و دهها واحد تولیدی دیگر
سزایی " اصول " را رد کردند . علی
چه بود ؟ برای روشن شدن علت این
رد " اصول " پیشنهادی وزارت کار
جمهوری اسلامی " را مورد توجه
قرار می دهیم .

مقدمه : ... دولت جمهوری
اسلامی ... در مواردی که مدیریت
... آمادگی لازم را داشته باشند
تشکیل شوراهای کارکنان موسسات
را برای پیشبرد هدف های جمهوری
اسلامی مفید می داند .
ملاحظه می کنید . دولت جمهوری
اسلامی برای پیشبرد هدف های
خود در مواردی که مدیریت آمادگی
لازم را داشته باشد ، تشکیل شوراهای
رامفیدی می داند . به عبارت دیگر ،
دولت سرمایه داران برای پیشبرد
هدف های سرمایه داران این شوراهای
رامفیدی داند و مدیران منتخب
آنان نیز آمادگی لازم را دارند .
" ماده ۲ بند ۶ : وظایف شوراهای
هماهنگی ب . انتخاب یک نفر از
اعضای شورای هماهنگی جهت
ترتیب در جلسات هیئت مدیره ...
به منظور طرح خواست های قانونی
کارکنان و آگاهی از تصمیمات و
نظرات مدیریت ... و مساعی لازم
جهت پیشرفت امور موسسه .
از شورایی که از نظر سرمایه داران
مفید تشخیص داده شده است ، جز
این هم انتظاری نمی رفت .
به عضو شورای هماهنگی لطف
بزرگی می شود ، به او این اجازه
داده می شود که در جلسات هیئت
مدیره شرکت کند و خواست های
قانونیش را (البته بر طبق همان
قانون کار آریامهری) به عرض
هیئت مدیره برساند . و نظرات
مدیران محترم را نیز بشنود .
و آن وقت فوراً سرگراش بر گردد
و تمام " مساعی " خود را صرف
" پیشرفت امور موسسه " (توجه
کنند . امور موسسه و نه کارکنان)
و همچنین " ارشاد کارکنان در جهت
هماهنگی با ختن خواست های خود
با اهداف و امکانات موسسه " (بند
۶ همان ماده) بکند .
در حقیقت خلاصه مطالب اسطور
می شود :

دولت جمهوری اسلامی مفید
می داند شورایی به وجود آید و
به عضو شورای هماهنگی اسن
انتخابات داده می شود که عرایض
راه سم اعصاب محترم هیئت
مدیره برساند و او امر آنها را بشود .
و سنی " مساعی " لازم را جهت
پیشبرد اوامر صادره به عمل آورد .
شورایمید خواست های قانونی
کارکنان را با اهداف و امکانات
موسسه هماهنگ سازد . شورایمید
خود تبدیل به اداره حفاظت شود
و بر " اعمال فردی و اجتماعی " و
کارکنان نظارت کند و البته شورا
موظف است به سنها ذات هیئت
مدیره محترم را بصورت کدو سه
اجزاد آورد .
آیا این تفاسیل لحظه ای درنگ
در رداس " اصول " را جانب کارکنان
جایز است ؟

شوراهای کارگری آن شکل از
شکل کارگران بود که در جریان تمام
و در بیکاری آن وارطیل کمنه های
اعتماد برای کنترل و اداره
واحد های تولیدی به وجود آمدند .
کارگران مشکل شده در این شوراهای
انتظار دارند که دست سسروی
بار و قدر حلاقه آنها بر طبق
خواست و اراده خود آن ها که
بدواً خواص جامعه نبوده کار
گرفته شود امکان بهره کشی و
زورگویی برای همیشه آریس برود .
اما مقام فرمانان کارکنان در
کار سایر افسار و طبقات خلق سا
توجه به ضعف حسن کارگری و
سود سارمان ساسی رهبری کنند
کارگری محربه آن شد که
احضار طلبان و سارنگاران به
قدرت برسند و با حفظ دستگاه
اداری و نظامی دولت سابق ، در
خست تحکم سلطه سرمایه داری
و ایستگام بر دارند . تحکیم سلطه
سرمایه داری و ایستگام هم که معنی
سرکوب کارگران و سد نمودن
سازرات آنها و جلوگیری از تشکیل
آنها بود . پس دیگر شوراهای
کارکنان تحمل نشد و حاکمیت به
انواع فشارها منتوسل شد تا شوراهای
راد هم بگوید ، اما مقاومت کارکنان
و دیگر اقتدار خلق در برابر این
فشارها آنچنان قوی بود که دولت
ناگزیر به پذیرش نهاد شوراهای
با این تصور که آن را به ضد خود
تبدیل خواهد کرد و حیثیت آنها را
برای همیشه آریس خواهد برد .
این بود که به تبلیغ شوراهای
شورتنی پرداخت و برای شوراهای
که خود تدوین کننده اصول و
ضوابط حاکم بر خود می باشند ،
" اصول تشکیل شوراهای کارکنان
موسسات کشور " را نوشت و با صدور
امریای از کلیه کار خاجات
خواست که آن را اجرا در آورند .
اما نتیجه کار چه شد ؟

سروش شوراهای کار خاجات
همان شده شوراهای شهر (یا در
حقیقت همان انجمن های شهر
سابق) شده بود . یعنی شکستی
مفتضحانه .
کارگران آگاه و مبارز هر کجا که
با این " اصول " روبرو شدند ،
قاطعه آن را رد کردند . هشت
اجزای " اتحادیه کارکنان سازمان
کترین و ساری سابع ایران "
که سنی آریک صد شرکت و واحد
تولیدی را شامل می شود با صدور
اطلاعه ای ار همه شوراهای تابعه
خواست که ؟

۱- در مورد مواردی مضمون
دولت در مورد شورا . از آجا که
نظر اتحادیه موارس مضمون متاعه
با موارس یک شورای واقعی مطبوس
نیست و نظر اتحادیه سردراسن
زمینه به نخست و سوری اعسلاام
گورده است و خواهان تجدید نظر
در اصول مضمون شده ایم . ساریس
تائین تکلف این مضمون ساند
شورایی را بر اساس آن موارس
انتخاب نمود . در خانه مانوجه
بمکات قوی از طریق اتحادیه با

گجساران
در تاریخ هفده مهرماه شورای
کارگران بیکار گجساران تشکیل شد .
این شورا شامل پنج نفر نمایندگان
جدود هشتصد نفر از کارگران بیکار
گجساران است که انتخاب شده اند
تا از منافع این بخش از طبقه
ستمدیده کارگر کشور مادر مقابل
بوزش سرمایه داران خارجی و
داخلی و دولت حامی آنها دفاع
نمایند . این کارگران ماهها است که
بی کار و سرگردانند و تاکنون با مقدار
اندوخته اندک خود و با پول بخور و
نمروم بیکاری به زور شکم خود و
عائله شان را سیرنگه داشته اند .
فشار فقر و گرسنگی ، روبروشدن
مبارزات پراکنده و حق طلبانه آنها
با سرکوب و تهدید و ارباب بوسيله
مزدوران کمیته شهری و پاسداران
هیئت حاکمه ، فریب و ترسنگ

استقبال کارگران بیکار این شهر
از تشکیل شورانشان دادگه
کارگران تنها با شکل خود
می توانستند بر علیه سرمایه داران و
حامیان آنها مبارزه کنند . در ضمن
گروه های کارگران بیکار عوامل
مزدور کمیته و پاسداران قصد
اخلال و به هم زدن جمع کارگران را
داشتند که با هو شیاری کارکنان
مبارز اعمال ضد کارگری آنها
خنثی گردید .

اهواز صد نفر از کارگران
بیکار شده " زدیگاند بیس " و
اول آبان جلود فتر مرکزی شرکت
نفت اجتماع کردند و نسبت به
نپرداختن مبالغ باخریبی
خدمتشان اعتراض کردند افسراد

بیرجند ۲۷ مهرماه گذشته
گروهی حدود دویست نفر از
دیپلمه های بیکار به نمایندگی
هشتصد نفر فارغ التحصیلان بیکار
بیرجند ، در محل اداره آموزش و
پرورش شهر اجتماع کردند و پس از
روشن شدن وضع بیکاران جلوگیری
شود . ضمایب کاران اعلام داشتند که
حاضریم تاشش ماه بدون
حقوق برای دولت کار کنیم . در
گروه های پنج نفری به اتفاق یک
مهندس زمین ها را آباد کنیم .
حاضریم با حقوق مکفی برای
ساختن خانه های سساد مستضعفین
کار کنیم .

بروجرد - فارغ التحصیلان بیکار
بروجرد هر بار به مقامات مسئول
مراجعه کردند با جواب در سالا
روبرو شدند و با پیشنهاد سنی ار
قبیل قبول تنگدستی و نا کاردار
جهاد سازندگی ، اسن سکارار ، به
دنیال سیدن جنین سانس هائی
دست به تحسن و سیر راهپیمائی
زدند
دانش آموزان شهر نیز از آنها
حمایت می کردند . آنها ساسا
شعارهائی از قبیل " کار برای بیکار
ایجاد باید کرد " راه می پیوموند
که با عناصر علوم الحال عامل
دست ارتجاع روبرو شدند . اسن
گروه با سخن تحریک آمیز یک
شبه با جوب و جماع و جاق سوو

ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی سیاسی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکاهستیم

بیکار گجساران
۱۳۵۹
۱۴۰۰

گفتگویی کوتاه بایکی از رفقای سازمان اوتش آزادبخش خلق ترکیه (اتحاد مبارزه)

سراپتی، مبارزه سازمان کانال به می رود، به مرور بوده ای می سودد، بایکجه برای نیروهاست و دیگه سوری را با خودم کند.

سؤال: یکی از بحث هایی که در ایران میان رفقا مطرح است، این است که آیا هدف مبارزه مسلحانه ای که مادرش می گیریم، برای بخش توده هاست؟ یعنی کوشش برای فراهم آوردن شرایط عینی انقلاب، تبلیغ انقلاب است؟ یا اصولاً خود مفهوم انقلاب را در سرگونی رژیم را در دستور قرار می دهد؟

جواب: مادر حقیقت به هیچ یک از این دو طرفی که شما مطرح کردید، فکر نمی کردیم. ما چنین می گفتیم که با آمدن فاشیسم و دیکتاتوری، امکان به کارگیری شیوه های دیگر مبارزه و امکانات دمکراتیک برای کار در میان توده ها از بین رفته است و ما بایکجه کار گرفتن این تاکتیک ها می خواستیم به هدف های زیر دست باییم:

اولاً - به مبارزه ادامه دهیم
ثانیاً - این مساله را که باید علیه دیکتاتوری فاشیستی بطور اساسی تنها با فخر مبارزه کرد، به توده ها نشان دهیم. اما، خارج از سازمان مادر ترکیه جریانات دیگری که رهبری شان را "ماهرچایان" به عهده داشت، استدلال هایی از نوع آنچه که شما می گفتید مطرح می ساختند. آنها می گفتند، "این مبارزه، مبارزه پیشاهنگ توده هاست و توده ها به آن روی خواهند آورد. این خود آغاز مبارزه برسد. بورژوازی، به قصد برانداختن آن است." علاوه بر این ما این تاکتیک را تاکتیکی گذرانی دانستیم و به این فکر می کردیم که نهایتاً بایکجه کارهای توده ای سازماندهی بپردازیم و کار براندازان را خود توده ها انجام دهند. ما حتی در آن زمان به حزب می اندیشیدیم.

سؤال: یعنی شما معتقد بودید که عملیات نظامی (مبارزه مسلحانه) در تمام طول پیروز، جنبش، نقش محوری دارد و تاکتیک عمده محسوب می شود؟ آیا وقتی معتقد به مبارزه مسلحانه جدا از توده بودید، فکری کردید که این شکل از مبارزه، شکل اصلی مبارزه است یا آن را برای تمام طول پیروز جنبش در نظر می گرفتید یا شکل عمده مبارزه را در مقاطع گوناگون متفاوت می دیدید؟

جواب: ما هرگز این تاکتیک را، تاکتیک ادامه داری نمی دانستیم و اصولاً در شرایط ترکیه تفاوت نظرات ما با نظرات "ماهرچایان" دقیقاً در همین مسئله بود. زیرا او این شیوه مبارزه را، یک شیوه ادامه داری و سیستماتیک می دانست و معتقد بود که در آینده توده ها به آن خواهند پیوست و به همین شکل هم ادامه پیدا خواهند کرد.

ما می گفتیم: "کار توده ای هم باید یکسیم". ولی این مسئله همیشه در حرف ماند و هرگز در عمل به آن دست نزدیم. البته مادران شرایط مبارزه مسلحانه را، هیچ وجه تئوریک نکرده بودند و بر سر این مسئله که این تاکتیک در آینده نیز به عنوان تاکتیک محوری مابقی خواهد ماند یا نه، هیچ نوشته یا تخطی نداشتیم و هرگز به آن نپرداختیم.

سؤال: اولاً سازمان مادر آن روزها، بدون نظری به این تاکتیک دست زده بود. تفاوت اساسی ما "ماهرچایان" در این بود که او این شیوه مبارزه را که لااثنور بهره نبرد، گفتیم که مادران نیز این شیوه را به هر چه فکری می کردیم ولی واقعیت این است که سیستمی داشتیم در آن شرایط چگونه باید حزب را بوجود آورد و بدینسان آن رفت.

سؤال: آیا شیوه های مبارزه در آن مرکز اولان، در اتحاد چنین شیوه مبارزه ای از سوی سازمان شما تائید است؟
جواب: ما هیچوقت نتوانستیم مبارزه را از آنجا که لایسنس را برسی، بپرویم. کوشش شوریه ای آن را با شرایط ترکیه تطبیق ندادیم. ولی واقعیت این است که شیوه های مبارزه در آن مرکز لایسنس در شرایط آن زمان، ما را تائید می کرد.

سؤال: شما می گفتید که در آن زمان، مبارزه را با شرایط آن زمان که پیش از تاسیس سازمان شما اتفاق افتاد، دانستند. در آن زمان شیوه مبارزه شما تائید است؟
جواب: این زمان فراتر از آن مبارزه را تائید است و سازماندهی و سیستم حاکم، بر حزب کارگر سرکده، مسئله اصلی ما در آن زمانه از جهت، سازماندهی محلی و برخورد فعال آن بود.

سؤال: شما می گفتید که در سال های ۱۹۷۳ یک جنبه عینی، مسئله اصلی مبارزه ای که آن زمان به کار می گرفتید، این بود که توده ها در شرایط آن زمان، مبارزه ای خود را نمی کردند. قضایای آن را تائید می دانستیم.

سؤال: شما می گفتید که شرایط عینی از طرفت خود را نمی کرده اند و یکدک از اصول آن را در دست داشتند و طرفه ایند؟
جواب: ما بطور کلی اولاً که سه خود را یک دوره ما در حسی آماده در حرکت، مارکسیستی سرگدی می کشیم. ما اساساً حرکت، ابتدا سه سازماندهی محلی و کار کردن ممبران را به

رشد عظیم مبارزات بیرونبار، بی سراسر جهلان و او جگری جنبش های رهایی خلق ها، تجربیات بین المللی عمیقی را فراهم آورده است. دست بایکجه این تجربیات بر عمق جنبش انقلابی میهن ما خواهد افزود و بر آن اعتلای بیشتری خواهد بخشید. بدین منظور همانگونه که در گذشته آغاز کرده بودیم، از این پس نیز تلاش خواهیم کرد به درج فتردهای از این تجربیات اقدام کنیم.

در این قسمت گفتگویی داریم بایکی از رفقای عضو سازمان "ارتش آزادبخش خلق ترکیه" (اتحاد مبارزه).

ما این مصاحبه را به خاطر آشنائی بیشتر با نقطه نظرات سازمانی که در بعضی از زمینه ها با شما بهمانی با آن داشته ایم به چاپ می رسانیم. ضمن این که چاپ این مصاحبه نباید دال بر تائید ما از این نقطه نظرات قرار گیرد.

"ارتش آزادبخش خلق ترکیه (اتحاد مبارزه)" یگانه تشکیلات سراسری بیرونباری ترکیه است که با تجربیات انقلابی طولانی، مبارزات بیادمانه ای را جهت رهایی خلق ترکیه آغاز کرده است.



ترکیه به اعمال خشونت بیشتر بود که تزلزل باکتیک های مسلحانه را برای شما مطرح ساخت. با تامل به تاکتیک های نظامی خود در تغییر شرایط سیاسی موثر واقع شد؟ تا آن زمان تعداد مورد تأثیر تاکتیک های نظامی، در شرایط سیاسی چیست؟ به ویژه توضیح دهید که این تاکتیک ها را محصول تغییر شرایط، دانستند یا تغییر دهنده شرایط؟

جواب: یکی از اهداف، های اصلی مبارزه مسلحانه در آن زمان، تائید این دیکتاتوری که دیکتاتوری فاشیستی است. توضیح این که در آن سال ها خود بورژوازی، ترکیه فکر می کرد که این دیکتاتوری، سیستمی بیرونی است. انقلابی نظامی سال های ۶۰ است. همین دلیل، توضیح این مسئله برای ما و مفید سرزنی بود. در آن زمان، ما به تندی سؤال و اجاب که عملیات ما چگونه است. دیکتاتوری را علیه انقلابیون تشدید کرد. شرکت دیکتاتوری بعد از تائید از رفقای ما را اعدام کرد. بر سر این گفت و آریس سرد ما چه نخواهیم وجه خواهد بود. این واقعیتی است که بیرون داده است. اما اگر تصور بود که جنوب و تاتاریکاتوری، صرفاً مابقی از اعمال ما بود. هموار استانی است. برادریکاتوری آمده بود و گرفتیم امکانات دمکراتیک از دست خود. جاس را هدف خرید قرار داده بود و می خواست دمکراسی را حضور کلی در ترکیه ارضان برآورد. این دیکتاتوری از طریق اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، مبارزه ای داشت که نسبتاً اعمال جنوب، حاکمیت خود را هر چند به سر نسبت بار و سایر فرهارا حاکمیت تصدیق کرد.

سؤال: می خواهم بدانم که ما عموماً در مبارزه مسلحانه را برای یکسین بد دیکتاتوری نیروی سحر می دانستیم. دلایل دیگری برای به کارگیری آن می دانستند؟
جواب: ما تائید عملیات دیکتاتوری را تا اعمال حسی تاکتیک های عملی می دانستیم و فکر می کردیم در حسی

سؤال: به غیر از بورژوازی در شرایط سیاسی ترکیه در آن سال ها، ۷۰ درصد تائید است. به مبارزه مسلحانه سلف بود. و سازمانی نایب عینی به وجود آمد؟
تکامل چماید ها و سید و خود جه نظراتی در سازمان های مارکسیستی پیشین ترکیه باعث شد جنبش نظراتی در سازمان شما شکل بگیرد و حیطه وسیع سازمان برای اساس تدریس شود؟

جواب: برای پاسخ به سؤال اول باید شرایط ترکیه را از سال های ۶۰ به بعد بررسی کنیم. تا سال های ۶۰ در ترکیه یک دیکتاتوری ارتجاعی بورژوازی به شکلی که حتی با جبر ترس و وحشت دمکراتیک را هم تائید نمی کرد، برقرار بود. بعد از سال ۶۰ به دنبال انقلاب نظامی ای که در ترکیه به وقوع پیوست، وضعیت نسبتاً دمکراتیک به وجود آمد. در آن دوران این دمکراسی نسبی، حرکت طبقه کارگر علاوه بر مبارزه اقتصادی، مبارزه سیاسی را نیز در دستور قرار داد.

سؤال: در آن شرایط، حزب کارگر ترکیه به وجود آمد. این حزب با اصل قرار دادن سازماندهی عملی و مبارزه پارلمانی، یک سیاست آگونیستی را پیش برد. در سال های ۱۹۷۰ حرکت طبقه کارگر اوج گرفت و آنچنان رشد کرد که کارگران خود را در مبارزه اساسی با بورژوازی شدند. وضعیت بورژوازی در سال های ۱۹۷۰ چنین بود که سرمایه داری وابسته انحصاری رشد کرده و تلاش داشت که حاکمیت خود را تثبیت کند و به این منظور صفیه صاحبان سرمایه های متوسط و فنودال ها را از حاکمیت شروع کرد و حاکمیت سرمایه وابسته انحصاری را تثبیت نمود. در این وضعیت، حرکت طبقه کارگر، طبقه های متوسط و دانشجویان شروع شد. آنها وارد یک سلسله مبارزات سیاسی با دولت شدند. نقطه اوج این مبارزات ۱۶ و ۱۵ ژوئن (خرداد) سال ۱۹۷۰ بود که صد ها نفر از مردم ما در تظاهرات استانبول با تانک ها و گلوله باران سربازان دولتی روبرو شدند. در چنین شرایطی بود که رفقای ما به این نتیجه رسیدند که با تکیه بر سازماندهی عملی و بدون تکیه بر قهر، مبارزه کمونیستی امکان پذیر نیست.

سؤال: در اینجا شما توضیح می دهید که در آن سال های ۷۰ جنبش توده ای در ترکیه ربه اعتلا می رود و تظاهرات صد ها هزار نفری در استانبول صورت می گیرد، و آکنش دولت در برابر این تظاهرات و در حقیقت در برابر موج اعتلای انقلابی سرکوب شد. به سرفراری حکومت نظامی، ابتدا در استانبول و سپس در شهر های دیگر است.

سؤال: مادر اینجایان است که آ تا تاکتیک نوین حکومت، یعنی حکومت نظامی و اعمال قهر شدیدی برای سرکوب جنبش توده ای تا چه حد موفق شد؟ یا جنبش توده ای در رابطه با این سرکوب شدیدی ربه رگورفت با همچنان اعتلا پیدا کرد؟ آیا سطح معینی از جنبش خود به خودی همچنان وجود داشت؟

جواب: پس از این رویداد ها، نشانه های آشکار پیروزی فاشیسم در ترکیه پدید آمد. در این سال ها حرکات توده ای تا حدی ادامه یافت. توده ها نخست این مساله را با ادامه اعتصابات کارگری در شهرها و اعتصابات زمین های سرکوب روستا ها پاسخ گفتند. ولی علیرغم تمام اینها، بورژوازی با اعمال تاکتیک های فاشیستی به مرور موفق به سرکوب حرکت توده ها و آرام کردن اوضاع شد. در همین شرایط بود که فعالیت ما به شکل نظامی آغاز شد. اما خارج از این فعالیت نظامی، حرکات توده ها هر روز به رکود بیشتری می گرایید.

سؤال: شما در اینجا یک سو بر جنبش نیروهای سرکوبگر در به رکود کشیدن جنبش توده ای تأکید می کنید و در حاشی دیگری می گوید خارج از این مبارزات، عملیات نظامی ما آغاز شد. لطفاً در این رابطه توضیح دهید که آیا جنبش نیروهای سرکوبگر رادربه رکود کشیدن جنبش توده ای نقش عمده به حساب می آوری یا نه؟ علاوه بر این نفس عملیات نظامی خود را در رابطه با جنبش توده ای چگونه ارزیابی می کنید؟ معادرت دیگر عملیات نظامی نتوانستند مبارزات توده ای را دست؟

جواب: اولاً نه عملیات که سازمان ما می در تکیه با مسلک سازماندهی شتاب زده و کوتاه مدت وارد مبارزه مسلحانه شد نتوانست مبارزات توده ها تا تیر میسی بگذارند و در رکود آن حلوق گیری کند. ثانیاً تاکتیک های ما بیشتر از سوی خود سازمان و کاملاً جدا از زندگی مادی توده ها و حرکات آنها اعمال شد و حکومت دیکتاتوری بطور مشخصی از عدم سازماندهی توده ها بهره گرفت و قدرت سرکوب و حلوق گیری را در حرکات توده ها ایجاد کرد. ثالثاً در پیرامون مبارزاتی ترکیه منحصراً روس ند که اصولاً مبارزه پیشاهنگ در رشد مبارزات توده ای یعنی جنبش سازی نمی کند و پیشاهنگ تنها از کانال رهبری به راه انداختن مبارزات اقتصادی - سیاسی در درون خود توده ها است که می تواند مبارزات آنها را راسد دهد و به آن نیرو بچسند.

سؤال: داشتید تأثیر دگرگونی شرایط عینی را در اتحاد شیوه های جدید مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه از باسی می کردید.
سؤال: مادر اینجایان است که تامل رژیم سیاسی حاکم در

وزارتی از سازمان صیادان در گنم سه (ترکمن صحرا)

اتحاد و همبستگی صیادان دریای خزر

ساحل دریای خزر از نظر تعداد ماهی به چهار ناحیه تقسیم شده است. نرسیم سهم عمده در ناحیه چهار یعنی منطقه ای که در فرج آباد تازی سرود شده و سادگاه ترکمن صحرا در مرز جمهوری آذربایجان (صوبه می کسر) بطوری که این ناحیه به تنهایی سعی در درآمد کل سلاب را تأمین می کند. اما در عین حال بر اثر زندگی این زمین کشاورزان سزار سحت و طاقت فرمایان برآکنده صیادان و پائین بودن سطح آگاهی آنان که خود نمره سال ها سلطه اختناق و حدایی پس روشنگران انقلابی و زمین کشاورزان این منطقه بوده است. موجد سادگاه است که سطح مبارزات صیادان نالسه پائین باشد. شرکت سلاب هم همواره کوشیده است با اتحاد نعره و حدایی پس کارگران و جلوگیری از وحدت آنها برآوردادهای یک جانبه و ظالمانه خود را بر آنها تحمیل کند و هنگامی که مابین کارمونی می شود فریاد اعتراض صیادان را با اخراج آنان خاموش سازد. علاوه بر شرکت حربه " فابوسی " دیگری نیز در اختیار داشت به این ترتیب که فرآوردادهای سالانه با صیادان می بست و همین وسیله آنها را کارگرمونی فلنداد می کرد و آنها را راه استخدام رسمی در نمی آورد. به این ترتیب اخراج آنان طبق قوانین موجود و به اتهام ساختگی صد فاحاش صورت می گرفت و همچگونه حقی برای آنها در نظر گرفته نمی شد.

طی مبارزاتی که به سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه منجر شد، رند آگاهی ها و شکل زحمتکشان مین مافروسی گرفت و صیادان این ناحیه نیز در جریان این مبارزات تجربیاتی به دست آوردند که همراهمانگاه قابل توجه قدرت سرکوبگر ارتش و ژاندارمری و گارد سلاب و غیره، زمینه مناسبی برای شکل ورشد مبارزات صیادان (اداری، پیمانی و آزاد) فراهم آورد. اما نکته مهم اینکه هنوز شکل وسیعی که زمین کشاورزان صیادان طور وسیع اعم از اداری و پیمانی و آزاد در خود متشکل نمایند. موجود نیامده است. گرچه عملا صیادان از مبارزات یکدیگر پشتیبانی می کنند این امر عملا رفتن آگاهی و تشکلی در سطح منطقه و بخصوص خلق ترکمن آرتساق دارد. صیادان آبخانی که حاکمیت فعلی عملا همان شیوه های گذشته را برای عارت صیادان به کار می برد در زندگی صیادان تغییر اساسی به چشم می خورد. در زیر سیر مبارزات و سطح تشکلی لایه های مختلف صیادان را بررسی می کنیم. صیادان اداری از تیرماه ۱۳۵۸ سدیگای واقعی خود را تشکیل دادند و اساسی ترین خواسته های خود را به آگاهی مقام های دولت و سلاب رساندند از مهمترین خواسته های صیادان عبارت بودند از:

استخدام رسمی، دادن وام به

صیادان از سمدند نرسیم آسار خلقی اند، شرایط زندگی این زمین کشاورزان بسیار فرساست. گزارش زیر شرحی کوتاه از سیر مبارزات و سطح تشکلی افتار مختلف صیادان دریای خزر است.

صیادان سازماندهی شده، سهم صیادان در سرود و نرسیم سلاب، انحلال گارد سلاب و دادن هر چند حفاظت از دریای صیادان ساحلی هر منطقه که قلا به ژاندارم ها تعلق می گرفت. بیم و وحشی باز بستگی و حق اولاد، تهیه امکانات رفاهی جهت صیادان، تأمین وسایل رفاهی از قبیل تبدیل کومه های مفلوک به آسایشگاه های قابل زیست با تمام وسایل رفاهی و بهداشتی، تأمین روشنائی و سوخت و گرمای...

صیادان با خوشبینی انتظار داشتند که انقلاب یکی از بیست مورد خواسته هایشان پاسخ مثبت داده شود ولی هیئت مدیره سلاب در مقابل این خواسته ها که حق مسلم این صیادان و همسر زحمتکشیشان است با عنوان کردن این که امکان برآوردن این خواسته ها برای ما وجود ندارد جواب رد به صیادان دادند. اوایل مرداد بود که طراحان قرارداد سلاب جهت ابلاغ

صیادان در قطعنامه ۶ ماده ای خود ضمن اعلام خواسته هایشان کشتار صیادان و مردم بیگناه انزلی را محکوم کرده، خواستار رسیدگی و محاکمه مسببین و جنایتکاران این واقعه شدند.

(صیادان خواستار ۷۰٪ سهم صیادان و ۳۰٪ سهم ارباب بودند) که این خواست ها از طرف سلاب تردید و به نوبه خود موجب اعتراض صیادان گردید. صیادان راه حل دوم را پیشنهاد کردند که آنها مستقیما سلاب قرار داد بدهند و واپسین که سلاب مانند صیادان اداری آلات و ادوات صیادان را اختیار آن ها قرار دهد که این نیز موجب مخالفت ذخت اندر کاران سلاب قرار گرفت. صیادان سپس پیشنهاد تأسیس یک شرکت تعاونی و مصرف را نمودند که صیادان از این طریق بتوانند آلات و ابزار صید را تهیه کرده و طبق قراردادی که با سلاب می بندند محصول خود را تحویل دهند. پیشنهاد دیگری که از طرف شورای صیادان مطرح گردید احداث فروشگاه های ماهی در بخش های ساحلی بود که از این طریق هم دست واسطه ها کوتاه شود و هم مردم به راحتی بتوانند ماهی مورد نیاز خود را



با قیمت ارقل تعیین شده تهیه کنند. نکته مهم در این مورد آن که با توجه به خواست های صیادان، شکل و آگاهی در سطح آنان پائین تر از سایر صیادان است. صیادان آزاد شاید بتوان گفت از ستمدیده ترین و زجر دیده ترین صیادان می باشد. پس از قیام این صیادان که امیدوار بودند در روض زندگی آنها تغییر روی دهد اقدام به تشکلی شورائی جهت مذاکره با نمایندگان دولت و سلاب در مورد مشکلات کارشان نمودند. این صیادان دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تحت شرایط گذشته زندگی کرده و ساز زورگویی های مامورین ژاندارمری را تحمل کنند. اهم خواسته های آنان چنین بود:

انحلال گارد سلاب - دادن وام بیگاری به صیادان واحداث فروشگاه های ماهی در بخش های

کار دارند. در پاسخ به این سؤال که آیا شما مال آگره گرفتن حقان موفقی نبودید سال های بعد این مبارزه را ادامه خواهید داد یا نه؟ صیادی که حدود ۲۵ سال سابقه کار دارد و از ۱۴ سالگی به کسار صید مشغول بوده است، گفت: " صد درصد. تازه اول کار ما است. سال های بعد حتما آگاهی ما بیشتر خواهد شد و دیگر به این سادگی دست از مبارزه بر نخواهیم داشت. ما هر چه بیشتر مبارزه کنیم تجربه ما هم در این زمینه بیشتر می شود و سال به سال چینه تر می شویم."

صیادان پیمانی سربسی از انقلاب، شورای صیادان تشکلی دادند و یک سری درخواست های خود را اعلام نمودند که اهم آنها به این ترتیب است:

اجاره تصد دام های ماهیان ملیس دار. تجدید نظر در تقسیم سند پس اربابان و صیادان.

" قرارداد جدید " به آشوراده آمدند. قرارداد جدید " به تنهایی به هیچ یک از خواسته های رسمی صیادان پاسخی نداده بود بلکه به طور زیرکانه ای کاملاً به تعیج سلاب و اربابان و به صبر صیادان تنظیم شده بود. این امر خشم صیادان را برانگیخت و صیادان متحداً تصمیم گرفتند که تا انجام خواسته هایشان ارتت نام خودداری کرده و اعتصاب کنند. بدین ترتیب این صیادان از روز دهم مرداد ۱۳۵۸ دست به اعتصاب زده و از شب نام واقعا قرارداد جدید که به مراتب ظالمانه تر و آسار بارتر از قرارداد قدیمی است، خودداری کردند.

مسئولان سلاب در اوایل، اعتصاب صیادان را خیلی جدی نمی گرفتند ولی پس از گذشت دو هفته از اعتصاب دست اندر کاران سلاب به دست و پا افتادند. روی این اصل به تهدید متوسل

ساحلی که صیادان بتوانند خود صید خود را به این فروشگاه ها تحویل دهند. پس از وقایع انزلی و کشتار صیادان به وسیله پاسداران، صیادان آزاد به پشتیبانی از صیادان آزاد بندر انزلی اقدام به راهپیمایی و تظاهرات در روز ۲۸ مهر نمودند. راهپیمایان پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که روی آنها این شعارها نوشته شده بود:

" ننگ و نقرت بر آنان که برادران صیادان را از بندر انزلی به شهادت رساندند. " " ماکتار انزلی را محکوم می کنیم. " در مسیر راهپیمایی درگمش تهیه (گومش دغه) مردم شهر، زنان خانه دار و دانش آموزان دبیرستانها به عنوان پشتیبانی به صف تظاهرات پیوستند. در پایان قطعنامه ای صادر گردید.

قطعنامه راهپیمایی صیادان آزاد...

ما صیادان آزاد کس که از ستم دیده ترین قشر صیادان هستیم، در گذشته به علت زورگویی های زمین داران بزرگ و عمال رژیم سابق، زمین های زراعی خود را از دست داده و منبع معاشی غیر از دریاندرییم. ما صیادان کس اکثرمان ساحل نشین هستیم در گذشته به علت زورگویی های مامورین ژاندارمری نظیر سروان حامد جلاد مشکلات زیادی در امر صید داشتیم و همانطور که همه می دانند چه بسا در جریان درگیری هایی که بین ما صیادان و مامورین ژاندارمری روی داده، بسیاری از برادرهای خود را از دست داده ایم. پس از قیام شکوهمند ملت ایران، ما امیدوار بودیم که دولت جدید فکری جهت مشکلاتمان کرده و به خواسته های برحق مان که از طرف نمایندگان مطرح شده رسیدگی خواهد کرد. ولی با کمال تأسف نتوانستیم مذاکراتمان با دولت در این زمینه به حاشی نرسید بلکه باز همان روش های محمد رضانهایی توسط مامورین ژاندارمری از سر گرفته شده است. آنچه در بندر انزلی برای برادران صیادان در چند روز پیش روی داد گویای این حقیقت است که مسئولین دولت نه تنها جهت رفع مشکلات ما صیادان هیچگونه اقدامی نخواهند کرد، بلکه سعی در سرکوب کردن کوچکترین ندای حق طلبانه ما دارند؛ ما به هیچوجه خود را از برادران صیادان در دست نواهی کشور جدا ندانستیم و نمی دانیم، چون همه مادر بسک جهت وبه خاطر رسیدن هدفی مشترک که همانا حقوق قانونی و انسانی مان باشد، مبارزه کرده و می کنیم. آنچه در بندر انزلی توسط پاسداران انقلاب روی شد موجب شهادت و زخمی شدن بسیاری از برادرانمان گردید.

بقیه در صفحه ۹

کار مسکن آزادی



تهدیدهای شورای انقلاب و...

بقیه از صفحه ۱

لااقل تجربه حسی شیلی را درمورد نظریه داشته باشند. اتفاقاً ما هم اصرار داریم باید حربه شیلی، آموزش های لازم را ست کرد. به همین دلیل سیردر شتر به کار" ویژه تسخیر سفارت مورخ ۲۴ آبان ماه، این تجربه را مورد ارزیابی قرار دادیم. به نظر می رسد که اعصاب محترم شورای انقلاب، این بار نیز مثل همیشه ضعیف راوارونه دیده و شیپور را از سرگشاد آن می دهند.

پیام شورای انقلاب تاکید محدود بر آموزش های شیلی را ضروری می سازد. باشد که این تاکیدها مارا در ساختن ایران آزاد و دمکراتیک توانا تر و مضمّن تر سازد.

شورای انقلاب اسلامی در مقام خود با حکومت آئند فراموش کرده است که اولاً آئند در مبارزه انتخاباتی و به شبهه مسالمت آمیز قدرت را به دست گرفت. نه در جریان مبارزات با خونین خلق که صد هزار کشته و مجازات خبی بر جای نهاد.

شورای انقلاب نمی خواهد دو نمی تواند درک کند، خلقی که قهرمانان به پا خاسته و انقلاب کرده است تا چه حد به اهداف و آرمان های انقلاب شکوهمندی که پشت سر گذاشته پایبند است و تا چه اندازه جستجوگر خواست های انقلابی خویش می باشد.

شورای انقلاب که چشم خود را در مقابل واقعیات بسته است آرزوی کند دیگران هم مشکل خودش "کور" باشند و اسیر "منطق" متحجر او شوند.

تئوریسین های شورای انقلاب که اغلب بی سابقه راهی ایران شده اند، از آنجا که از حرکت لایحه انقلابی توده های ترسند این حرکت را صد انقلابی می خوانند و در مقابل جنبش توده های همان واکنش های تهدید آمیزی را نشان می دهند که رژیم پیشین به کار می گرفت و به عیب می گوید هر حرکت محفان ای را با سرکوب یا سزاکوید.

ناایبا اشتباهات بزرگ خود آئند در حفظ ترکیب ارتش، ایضا، فرماندهان سرسپرده امپریالیسم در راس قدرت نظامی، نادیده گرفتن قدرت توده ها و شوراهای انقلابی کارگران و زحمتکشان و همه مهمتر حفظ سیستم سرمایه داری وابسته بود که باعث سقوط آئند شد، نه او که مبارزه توده ها، نالنا حکومت شما اسامابل معایب با حکومت آئند نیست اوجود را مارکسیست می دانست و مدعی بود که هدفش رسیدن به یک جامعه سوسیالیستی است به محترم و با محدود شدن مالک خصوصی بر مابین تولید، اما آئند نه این وجه مشترک را انحصار آفایان داشت که عمیقاً قدرت توده ها می ترسید و فقط در حرف انقلابی بود.

اشتباه آئند این بوده که اسام معتقد به سیاست آشتی جوینان در برابر امپریالیسم بود. این نحوه برداشت "آئند" و تاکتیک هایی که بر اساس چنین استراتژی اتخاذ می نمود از جهات مختلف او را در مقاله با امپریالیسم جهانی و در

راس آن امپریالیسم امریکایی تضعیف می ساخت. هرگاه خواهیم سخن ترصیبت کیم آئند در مبارزه با انحصارات امریکایی و طغنه سرمایه دار شریک آن در شیلی، اسامان توان بود. نقشه "حنگ مخفی" امپریالیسم امریکا، برای مبارزه با آئند بر چنین نقطه ضعف هایی از او استوار بود.

"آئند" بر اساس استراتژی و تاکتیک نادرستی که برای انقلاب شیلی اتخاذ کرده بود، نمی توانست با سرمایه داری وابسته شیلی برخوردی قاطع و انقلابی داشته باشد. در تمام دوران ریاست جمهوری "آئند" اقتصاد شیلی همچنان وابسته به امپریالیسم امریکا و انحصارات امریکایی باقی ماند. آئند تنها خراش هایی به اقتصاد وابسته شیلی وارد آورد. لیکن نتوانست این اقتصاد از ریشه دگرگون سازد. آئند به دلیل سیاست سازش و معاشات از اجرای یک طرح توده ای برای درهم ریختن اساس وابستگی شیلی به امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم امریکا عاجز و ناتوان ماند. طبقه سرمایه دار شیلی صاحب نفوذ و قدرت باقی ماند و به مثابه اهرم اصلی نفوذ امپریالیسم سازماندهی مبارزه بر علیه آئند را بر عهده گرفت و آن راه پیش را ند. همین سرمایه داران و زمین داران بودند که از عمق پیدا کردن مبارزه طبقاتی در شهر و روستا با شکل مختلف جلوگیری به عمل آوردند. کارگران که خواهان مصادرته سرمایه های خارجی و ضبط اموال و دارائی های طبقه سرمایه دار شیلی بودند هم از سوی دولت آئند و هم از سوی سرمایه داری وابسته شیلی، از مبارزه باز داشته شدند. اعضای محترم شورای انقلاب اسلامی باید توجه داشته باشند که هرگاه آئند قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار شیلی و انحصارات امریکایی را قاطعانه و از گسبون می ساخت، هرگاه از رشد مبارزات طبقه کارگر شیلی ممانعت به عمل نمی آورد و شوراهای انقلابی کارگران، راه مابین ارگان های اعمال حاکمیت کارگران به رسمیت می شناخت و آنها را مسلح می کرد، هرگاه صنایع و کارخانجات و معادن شیلی در کنترل و نظارت این شوراهای قرار می گرفت و طبقه کارگر شیلی امکان این را می یافت که از طریق این ارگان ها و سازمان های سیاسی خاص خود، رهبری خود را اعمال نماید، امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکایی طبقه سرمایه دار شیلی تمام مواضع قدرت سیاسی و اقتصادی خود را از دست می داد و دیگر امکان مقابله و روبرویی با آئند را پیدا نمی کرد. سیاستی که در کوبا و ویتنام در پیش گرفته شد تنها به اعتبار چنین سیاستی بود که امپریالیسم امریکا و افغان توانست هیچ "غلطی" نکند.

شورای انقلاب اسلامی که دیگران را به تجربه اسدوری در کودنای شیلی دعوت می کند باید خودش بداند که در دوران آئند،

زمانی که دهقانان معسر شیلی برای مصادرته زمین های سرمایه داران دست به تهورت زدند "آئند" از آنان حمایت قاطع و وحشی به عمل نیاورد و رادعوت به صبر انقلابی کرد. زمین داران موفق شدند که از رادیکال شدن جنبش دهقانی جلوگیری به عمل آورند و در نتیجه اقدامات فوق بود که زمین داران و مالکین سرمایه دار همچنان صاحب نفوذ و قدرت باقی ماندند و قادر شدند نفوذ فعالی در کودنای شیلی، علیه آئند بر عهده گیرند.

"آئند" وقتی که به قدرت رسید جز تصفیه های محدود سازماندهی ارتش شیلی را که اهرم اصلی اعمال قدرت و حاکمیت طبقه سرمایه دار شیلی و انحصارات امپریالیستی بود دست نخورده بر جای گذاشت. آئند از تسلیح توده ها هراس داشت و از چنین تسلیحی خود داری به عمل آورد. او ارتش را منحل نکرد و هسته ارتش نوین توده ای را از زحمتکشان شهر و روستا و انقلابیون حرفه ای و شوراهای سر بازان و درجه داران که دارای پیوندهای طبقاتی با کارگران و دهقانان بودند به وجود نیاورد. نتیجه این بود که ارتش ترکیب، سازماندهی و تشکیلات ضد مردمی خود را حفظ نمود و فرماندهان وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار شیلی، در راس ارتش همچنان با برجا ماندند. چنین بود که امپریالیسم اجرا به یافت نقشه تحریک اقتصادی خود را به پیش رانده و در موقعیت مناسب با بهره گیری از ارتش جنبش توده ای را سرکوب کند و آئند را ساقط نماید.

آقایان اعضای شورای انقلاب در طول مدتی که "آئند" پیوست ریاست جمهوری شیلی را عهده دار بود چه انقلابی شیلی را عهده داری سیاست های رفرمیستی و نادرست آئند را مورد انتقاد قرار می داد و می گوید توجه "آئند" را به خطاهای فاحشی که بدان مبتلا بود جلب نماید. "آئند" در تمام این مدت به هشدار های چنانچه انقلابی بی توجه ماند و بر نامه های آنها را به کار بست. امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار شیلی با تکیه بر این سیاست آئند، هم از درون و هم از بیرون در اشکال متنوع سعی در منقرض ساختن جنبش انقلابی نمود تا زمینه مقاومت را در کودنایه حداقل کاهش دهد.

آقایان اسما هستند در س های عمده تجربه شیلی که بطور "حسی و ملموس" نیست روی ما ست. نرسازتشکل و تسلیح کارگران و زحمتکشان و دست نخورده نگاه داشتن ارتش ضد خلقی، عدم پشتیبانی از مبارزه طبقاتی آن علیه سرمایه داری وابسته و طبقه سرمایه دار و زمین دار بزرگ، مقابله با قدرت شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان و قناعت کردن سهواً در آوردن خراش هایی بر سیستم سرمایه داری وابسته و اقدامات نیم بند و سطحی در جهت بهبود زندگی توده ها... همانگونه که کیم ما اعتقاد داریم که مواضع شورای انقلاب

اسلامی، اسام معایر با مواضع "آئند" است. جدا وجود رادری موضع یک "مارکسیسم" می دانست. در شیلی انقلاب تهورت گرفته بود اما اقدامات "آئند" در معایب با آنچه که تاکنون توسط شورای انقلاب اسلامی صورت گرفته است، به یک انقلاب در معایب ما فرمهایسی نو خالی قابل قیاس است. هدف از ذکر این تجربه نه قیاس بلکه بیشتر نشان دادن این حقیقت است که چگونه شورای انقلاب اسلامی از پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی که همان مبارزه با طبقه سرمایه دار ایران است، ناتوان و درمانده است و عملیات آن که خواهان حفظ مالکیت مشروع سرمایه داران است، نه در جهت برانداختن سلطه سرمایه داران وابسته و سپردن قدرت به دست شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان که در جهت بر حذر داشتن کارگران و دهقانان از مبارزه طبقاتی حرکت می کند. ما اعتقاد داریم که برانداختن سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، جهت اصلی مبارزه این مرحله ما را تشکیل می دهد. ما معتقدیم که امپریالیسم امریکادشمن اصلی خلق های میهن ما ست. لیکن در عین حال اعتقاد داریم که امپریالیسم یک عامل موهم وجود از طبقه سرمایه دار وابسته ایران نیست. مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با سرمایه داری وابسته ایران انفکاک ناپذیر است.

برای نشان دادن ماهیت پیام شورای انقلاب هیچ نیسازی نیست که به راه دور سفر کنیم. ما شاهد بودیم که در پی با لا گرفتن، مبارزات ضد امپریالیستی توده های میهن ما، در هفته های اخیر کارگران دوشرکت حفاری امریکایی، "سدکو" و "سدایران" در منطقه هواز، طی اطلاعیه ای اعلام داشتند که برای مقابله با امپریالیسم امریکا، و در جهت قطع نفوذ سلطه آن، شرکت های امریکایی باید شده را ملی اعلام می کنند. از سوی دیگر دیدیم که این اقدام انقلابی و ضد امپریالیستی کارگران و شوراهای کارگری "سدکو" و "سدایران" توسط مقامات رسمی جمهوری اسلامی از جمله استاندار دربادار مدنی، اقدامی "صد انقلابی" و "بهاه حیوانی" تلقی گردید و دستور انحلال شوراهای کارگری و کارگران پیرو و انقلابی صرف صدور یافت.

زمانی که شورای انقلاب اسلامی نمی تواند و نمی خواهد حمایت مطالبات کارگران و زحمتکشان را درک کند. زمانی که مبارزه با امپریالیسم امریکارا از مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داران امریکایی و سرکشی ایرانی تان حدامی داد. زمانی که حسن مبارزاتی را در راه ما حسن ایرانی اراد و دیگرانک صورت می کرد "بهاه حیوانی" و "نوشته صد انقلاب" می یابد. آنگاه کارگران و زحمتکشان به با حاسه معسرند با آسپاهی که می گوید کارگران به خاطر انقلاب، کار، ممکن آزادی انقلاب نگردد!

اتحاد و همبستگی صیادان دریای...

بقیه از صفحه ۸

بدون یک هراسان زحمتکشی را متاثر خواهد کرد. ماضی اعلام همبستگی و پشتیبانی از مبارزات برادران صیادان در بندر انزلی و دیگر نواحی شیلات و اعلام این مطلب که به مبارزه خود نرسیدن به همه حقوق حقه و انسانی خود ادامه خواهیم داد. همه خواست های خود را در شش ماده زیر اعلام می داریم:

- ۱- ما حادثه جنایتکارانه بندر انزلی را که منجر به شهادت ورحمی شدن مردم بی گناه و صیادان زحمتکش گردید، شدیداً محکوم کرده و از دولت می خواهیم که هر چه زودتر قضیه این حادثه شوم را به سرزای اعمال ننکین شان برساند.
- ۲- ما پشتیبانی خود را از مبارزات صیادان بندر انزلی و دیگر نواحی شیلات اعلام کرده و خواستار رسیدگی هر چه زودتر دولت به خواست های ماضیادان آزاد و راه راه حل عادلانه با توافق طرفین هستیم.
- ۳- ما خواستار آزادی صید برای صیادانی هستیم که تبعیض معاشی غیر از دریا ندارند و همچنین تعیین ایام صیادان شیلات و محدودی که صیادان بتوانند تا آن نقطه تورهای خود را مستقر نمایند.
- ۴- ما خواهان لغو امتیاز معدودی بیگانگان زمیندار و تروتمند که اربادی و نوکران رژیم طاغوتی بودند هستیم در عوض می خواهیم که آن امتیازها به صیادان آزاد ستدیده و اگذار شود.
- ۵- انحلال گارد شیلات و دادن هزینه حفاظت از دریا به صیادان ساحلی هر منطقه که قبلاً به ما مورس تعلق می گرفت. در عوض شورای صیادان تعهد می نماید، از صید بی رویه جلوگیری نماید.
- ۶- احداث فروشگاه های ماهی در بخش های ساحلی که ما صیادان نتوانیم خود مستقیم ماهی های صید شده را با ربح معین شده از طرف شیلات به اس فروشگاه ها تحویل دهیم تا از اس طریقی دست واسطه هایی که کساری جز جایدن ما مردم ندارند، کوتاه گردد.
- ۷- دادن وام بی کاری بدون بهره به صیادان در تمام صد تعطیل است.

درود بر صیادان زحمتکشی که به دست مرتجعین در بندر انزلی به شهادت رسیدند.

مرکز امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و نوکران داخلی اش بیروز نادم مبارزات حق طلبان زحمتکشان و خلق های ستمدیده سر اسرایران

صیادان آزاد محسن های برکن و کمند دهنه ۲۷ مهر ۵۸

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

طرح سازمان چریکهای فدائی خلق ایران «شاخه کردستان» برای صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در پی تحقق صلح عادلانه در کردستان است. این سازمان خواهان برقراری صلح عادلانه است که منجر به آزادی و حقوق برابر برای همه مردم کردستان شود. این سازمان خواهان برقراری صلح عادلانه است که منجر به آزادی و حقوق برابر برای همه مردم کردستان شود.

مناوبت خلق کردستان بر سر راه صلح عادلانه است. این سازمان خواهان برقراری صلح عادلانه است که منجر به آزادی و حقوق برابر برای همه مردم کردستان شود. این سازمان خواهان برقراری صلح عادلانه است که منجر به آزادی و حقوق برابر برای همه مردم کردستان شود.

راکه خواهد داد به حسن اقدامات سردارین محکوم کرده و سزاوار است اقدامات آن را مردود می شماریم. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با اعتقاد بر این که تأمین حق خودمختاری خلق کردستان در شرایط تاریخی کنونی در جهت وصول به حق تعیین سرنوشت خلقها تلقی می کند و با اتکا بر این که تأمین خودمختاری کردستان به دست شوراهای مردمی می تواند دموکراتیک ترین ساخت سیاسی ممکن و عملی در مقطع کنونی به حساب آید، جهت وحدت عمل با سایر نیروهای ملی و مترقی از تحقق خواسته های ذیل در مذاکرات دفاع نموده و حضار است به مثابه یکی از سازمان های سیاسی پیشرو و فعال موجود در کردستان در مذاکرات فی مابین هیئت نمایندگی خلق کردستان با هیئت نمایندگی دولت.

خودمختاری در کردستان تحقق خواهد یافت. این سازمان خواهان برقراری صلح عادلانه است که منجر به آزادی و حقوق برابر برای همه مردم کردستان شود. این سازمان خواهان برقراری صلح عادلانه است که منجر به آزادی و حقوق برابر برای همه مردم کردستان شود.

بدون تأمین آزادی های دموکراتیک در سراسر ایران خودمختاری خلقها تحقق نخواهد یافت

خلق کردستان این که به خاطر پیشبرد یک صلح دموکراتیک از هیچ کوششی باز نخواهد ایستاد، همچنین به هیچ نیرویی اجازه نخواهد داد که در چنین مذاکراتی اهداف و خواسته های او را نادیده بگیرد. سازمان چریکهای فدائی خلق کردستان همچنین اعلام می دارد که به خاطر دفاع اصولی و بیگیر از منافع توده های مبارز در جهت وصول به صلح دموکراتیک خواهان مذاکره با هیئت نمایندگی رسمی از سوی دولت بوده و جدا خواهان آن است که تمام نیروهای

ترددی می نگرد، اما از آنجا که از ابتدا نیز خواهان جنگ نبود و همواره بر روی راه حل های مسالمت آمیز مسائل ملی تأکید داشت، از مذاکره با دولت برای دستیابی یک صلح دموکراتیک استقبال کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان نیز بنا بر اراده توده ها، همراه با سایر سازمان های سیاسی درگیر در جنگ آزادی خود را در این مذاکرات اعلام داشت و طرح پیشنهادی خود را برای رسیدن به یک صلح دموکراتیک طی بیانیه ای در تاریخ ۱۸ آبان ماه گذشته به دولت ارائه داد. در مقدمه این طرح آمده است: خلق کردستان که نشان داده است، پیش از آغاز جنگ، برای تحقق خواسته های عادلانه خود از راه مذاکره، آمادگی کامل داشت. مذاکرات متعددی که عمدتاً بر اساس قطعنامه های ماده ای مبادا و سنجند صورت گرفته بود، نشان دهنده این واقعیت بود که خلق کردستان خواهان رسیدن به مطالبات برحق خویش، در فضای تفاهم و دوستی است. همه می دانند، این خلق، در نبود جنگ از آغاز کرد، بلکه این حاکمیت بود که نمی خواست و نمی توانست خودمختاری خلق کرد را رابپذیرد. حاکمیت برای، پایمال کردن حقوق دموکراتیک خلق کرد جنگ را انتخاب کرده بود.

۱- استامین خودمختاری اقتصادی سیاسی و فرهنگی در چارچوب تمامیت ارضی ایران، از طریق تشکیل شورای عالی، خلق کرد بر پایه نظام شوراهای و به رسمیت شناختن این شورا به عنوان عالی ترین ارگان در کردستان ایران از سوی دولت. الف - نحوه تصمیم گیری های مربوط به امور سیاست خارجی دارای بودجه و برنامه ریزی عمومی اقتصادی کشور و دفاع ملی که در محدود و اختیارات حکومت

سازمان چریکهای فدائی خلق شاخه کردستان اعلام داشت که بخاطر دفاع اصولی و بیگیر از منافع توده های مبارز و در جهت حصول به صلح دموکراتیک خواهان مذاکره با هیئت نمایندگی رسمی دولت بوده و خواهان آن است که تمام نیروهای سیاسی فعال و شخصیت های ملی و مترقی وحدت عمل خود را در امر شرکت در مذاکرات حفظ نمایند.

تعمیل حیرت انگیز خلق کرد را بر آن داشت تا مصماً و قاطعانه برای برقراری یک صلح عادلانه به مقابله با جنگ افروزان، برخیزد و در پایش به یورش های نجات گرانه جنگ طلبانه مقاومت نماید. چنین مقاومت که حمایت بی دریغ و همه جانبه توده های شهر و روستا را با خود داشت، خیلی زود شکل گرفت و با سطح دندان شکنی به همه آنها پای داد که تصویری کردید، به جای محترم نمودن حقوق خلق های می توانست از طریق زور و توسل حتی به خود ستاند. امروز نیکبند در محسن

در راه پیش شرطهای آغاز مذاکره

- ۱- پذیرش اصل خودمختاری کردستان از سوی دولت.
 - ۲- پذیرش هیئت نمایندگی خلق کرد مرکب از همه نیروهای سهم در جنبش مقاومت خلق کرد به ریاست شیخ عزالدین حسینی.
 - ۳- انحلال سپاه پاسداران در کردستان.
 - ۴- خلع سلاح مزدوران محلی فتودال ها و قیاده موقت.
 - ۵- آزادی فوری زندانیان سیاسی، آزادی جنگی و لغو حکم تبعید مبارزان کرد.
 - ۶- خودداری از هرگونه نقل و انتقالات نظامی و تجدید نیروهای ارتش در کردستان به سطح قبل از یورش.
 - ۷- تقبل جبران خسارت مالی و معنوی ناشی از جنگ اخیر و تحویل از شهدای خلق کرد.
 - ۸- پخش و انتشار طرح خودمختاری هکت نامندگی خلق کرد از طریق رادیو و تلویزیون جهت اطلاع مردم ایران.
- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان
۱۸ آبان ماه ۵۸

مرکزی می باشد، طبعاً چنان خواهد بود که نمایندگان خلق کرد در تصمیم گیری های مزبور معالانه شرکت داشته باشند. اجرای هرگز به تصمیم در اس زمینسه بر عهده شورای عالی خلق کرد خواهد بود. در سایر امور، خلق کرد مستقلاً از طریق ارگان های داخلی خویش که شکل شورایی خواهد داشت، تصمیم خواهد گرفت. ب: شورای عالی خلق کرد عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده در کردستان خودمختار است. اعضای این شورا به وسیله شوراهای شهرها و اتحادیه های دهفایی که بر پایه شوراهای همه اصار و طبقات مردمی، عمومی کارگران، دهفایان، اعیان و بازاریان، پیشه وران، کارمندان و فرهنگیان متشکل در مراکز

سیاسی فعال و شخصیت های ملی و مترقی، وحدت عمل خود را هم در امر شرکت در مذاکرات و هم در طول مذاکرات حفظ نمایند. تنها آن توافقنامه ملی و اجرائی خواهد داشت و سبب شود مقبولیت عامه توده مردم قرار خواهد گرفت که در جریان مذاکراتی بدست آید که همه نیروهای سهم در جنبش مقاومت خلق کرد فعالانسه در آن شرکت داشته باشند و از طرف دیگر به همه نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد هشدار می دهیم که از متوسل شدن به هرگونه سیاست تک روی و انحصار طلبی جدا خودداری کرده و توجه کنند که اتحاد جنسی سیاست هایی نتایجی خسار وارد کردن است های حدی به منافع خلق کرده مصالح همه خلق های ایران خواهد داشت و اعلام می داریم که ما به توده خود هرگز

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است



بقیه از صفحه ۱۶

به دعوت دانشجویان پیشگام...

نماز جماعت گروه های اسلامی در یکی از خیابان های نزدیک سفارت پس از فراغت قطعاً همه سازمان دانشجویان پیشگام به راهپیمایی و تظاهرات خود پایان دادند. در قطعنامه آمده است:

اتحاد پیکارجویان کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست علیه امپریالیسم امریکا و تلاش برای افشای و طرد سازشکاران و قتریبون از صفت نیروهای انقلاب به امری حیاتی و مبرم برای ادامه پیروزمندانسه انقلاب بدل گشته است.

رئوس نکاتی که دانشجویان پیشگام در قطعنامه خود در ماده ۸ مطرح کرده اند به قرار زیر است:

استرداد شاه مخلوع و خائن محاکمه او اعدام او در دادگاه خلق.

قطع کامل وابستگی به امپریالیسم امریکا از طریق ناسودی کلیه روابط ظالمانه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی... و مصلحه کلیه سرمایه های امپریالیستی وابسته به آن.

ایجاد شوراهای واقعی سربازان، درجه داران و افسران جز؛ به عنوان اقدامی ضد امپریالیستی، اخراج مزدوران و سرپرستان وابسته به امپریالیسم و کلیه مستشاران کنشورهای امپریالیستی در درون ارتش و لغو کلیه قراردادهای اسارت بار نظامی.

تاکید روی تفکیک ناپذیر بودن مبارزه ضدامپریالیستی از مبارزه برای تامین آزادی های دموکراتیک - تاکیدی روی این مسئله که حق خودمختاری خلق ها در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک خواست زحمتکشان بوده، و سرکوبی خلق ها تنها به سود امپریالیسم و ارگان های وابسته به آن خواهد بود.

مبارزه علیه حرکات عوام فریبانه بورژوازی که سعی در بهانه خرافات کشاندن مبارزه ضدامپریالیستی دارد و همچنین مبارزه علیه قشر بیونی که می خواهند با تکیه بر تمایلات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان مبارزه آنان را در جهت منافع خود سازمان دهند.

محکوم کردن سازشکاران و فرصت طلبانی که به نام "مردم علیه مردم و به نام "توده" علیه توده و به نام طیفه کارگر علیه طبقه کارگر، گرایش ارتجاعی فشریون را لایوشانی کرده و عملاً مبارزه ضدامپریالیستی و دموکراتیک توده ها را تضعیف می نمایند.

محکوم کردن توطئه های رنگارنگ امریکا و متحدان فئودال در دادن دانشجویان مبارز ایرانی در خارج کشور.

توضیح

● به دلیل کرب مطالب حساب ادامه مقاله انقلاب کبیرا کنتر بنمونه آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان در شماره آینده جاب خواهد شد.

نصیح مقاله "بانکیای استثمارگر..." در "کار" ۳۵ در قسمت مربوط به سبکها نوشته شده بود که (۶) شماره اعتراضی برای بانک بین المللی ایران بعرض شد (۱) غیر همسند عضو سورا بود بدلیل که ۶ بن از مبارزین بانک بودند که سبک بیرونی بانکها به دستور مدیرعامل شد موصی اخباری رفتند.

طرح مشترک صلح هیئت نمایندگی خلق کرد

بقیه از صفحه ۱۶

خلق قهرمان کرد از هیئت نمایندگی خود و طرح مسئله صلح آن یکپارچه پشتیبانی می کند.

نماینده تراسی برای اورا ندارد. چنین برخورد هائی به ادا مسم مذاکرات صلح که خواست تمام خلق های ایران است لطعات جدی وارد خواهد ساخت.

اعتراض و سوس مردم کردستان به سخنان اخیر آیت الله منتظری و گفته های هاشم صباغیان و پاسخ مثبت و یکپارچه خلق کرده بد عوت هیئت نمایندگی خلق کرد در مورد برگزاری راهپیمایی سراسری در کردستان در روز سه شنبه ۶ آذرماه به پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد و طرح صلح آن نشان می دهد که نمایندگی واقعی خلق کرد چه کسانی هستند و تنها از طریق مذاکره با آنهاست که صلحی عادلانه در کردستان استقرار خواهد ساخت.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران (شاخه کردستان)

می کند.

نیروهای مخالف صلح در کردستان تلاش می کنند، سیاست نرفته افکنانه خود را بر فضای موجود حاکم گردانند، آنها را کوشش می کنند سیاست مذاکره جداگانه را پیاده کنند و بر روحیه تفاهم و نزدیکی که در اعضای هیئت نمایندگی خلق کرد وجود دارد، آسیب رسانده و آن را از بین ببرند. ما این سیاست را شدیداً محکوم می کنیم و معتقدیم که هوشیاری هیئت نمایندگی خلق کرد این توطئه ها را نقش بر آب خواهد ساخت. ما اعلام می کنیم هرگاه هیئت ویژه کردستان خواستار حل و فصل واقعی مسئله است باید با هیئت نمایندگی خلق کرد به مذاکره بنشیند. این برخلاف کرد است که نمایندگان واقعی خود را تعیین نماید. هیچکس حق

آنها در روزهای اخیر با توهین به هرمان ملی و مدعیان و نیروهای سیاسی کردستان کوتیدند. امیال پلید امپریالیسم حاکم عمل بیوشانند. از جانب دیگر عدم صراحت شورای انقلاب و مسهم گوئی های آن و اعلامیه های کذابی سران مرتجع ارتش و گفتار توطئه گرانه پاره ای از اعضای هیئت ویژه کردستان، نظیر سخنان اخیر هاشم صباغیان عضو هیئت ویژه کردستان که در رادیو مهاباد اعلام نمود هیئت ویژه فقط با مردم کردستان مذاکره می کند نه نیروهای سیاسی، به فضای مذاکره لطمه می زند. این سخنان آشکارا نادیده گرفتن تمام واقعیات موجود در کردستان و بزرگترین اهانت به مبارزه خلقی است که یکپارچه از نیروهای سیاسی خودپشتیبانی

طرح مشترک صلح هیئت نمایندگی خلق کرد

سازمان ها، احزاب و شخصیت های ملی و مذهبی سراسر ایران دعوت می نمایند که با همه امکاناتی که در اختیار دارند از خواستهای عادلانه مردم کردستان پشتیبانی نمایند.

۱- خودمختاری کردستان به رسمیت شناخته شود و در قانون اساسی درج گردد.

۲- مناطق کردنشین که در بیسن چهار استان ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی تقسیم شده است به عنوان یک واحد خودمختار شناخته می شود.

۳- مجلس ملی کردستان از طریق انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی و همگانی ساکنان کردستان تشکیل می شود. این مجلس "حکومت خودمختار کردستان" را برای اداره کلیه امور اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و انتظامی منطقه خود مختار بر خواهد گردید.

۴- زبان کردی، زبان رسمی تدریس و مکاتبه در ادارات و موسسات کردستان شناخته می شود. پس از سال چهارم ابتدائی زبان فارسی در کنار زبان کردی در مدارس تدریس می شود و زبان رسمی ادارات در سراسر ایران منجمله کردستان

خلقهای مبارز ایران. خلق مبارز کرد. در این شرایط حساس تاریخی که مردم کردستان یکپارچه پشتیبانی خود را از مبارزات برحق احزاب و سازمان ها و شخصیت های سیاسی و مذهبی مترقی ایران داشته اند و حالیکه ما مخمینی در بیام روز ۲۶ آبان ماه با تکیه بر ضرورت رفع ستم اقتصادی، فرهنگی، ملی و سیاسی از خلق کرد راه را برای حل مسأله آیم مشکل کردستان گشوده اند، ما شرکت کنندگان در جنبش خلق طلبانه خلق کرد یکپارچه خواستهای اساسی مردم کردستان را مطرح نموده و آمادگی خود را جهت مذاکره پیرامون خواستهای زیر بنای هیئت ویژه دولت اعلام می داریم. از عموم مردم مبارز کردستان دعوت می شود روز سه شنبه ۶ آذرماه ۵ ساعت بعد از ظهر در سراسر کردستان با شرکت در تظاهرات سراسری پشتیبانی خود را از خواست های زیر بنای هیئت نمایندگی خلق کرد که از نمایندگان سازمان های سیاسی کردستان به ریاست سید عزالدین حسینی تشکیل شده است اعلام دارند. هم چنین از

توافقنامه

در این شرایط حساس تاریخی که مردم کردستان یکپارچه پشتیبانی خود را از مبارزات برحق احزاب و سازمان ها و شخصیت های سیاسی و مذهبی مترقی ایران داشته اند، و در نتیجه مقاومت قهرمانانه خلق کرد و پیشمرگان کردستان دولت به راه حل مسأله آیم تعامل نشان می دهد. ما احزاب و گروه های سیاسی و سید عزالدین حسینی که پرچم مبارزه برای کسب خودمختاری در چارچوب تعامت ارضی ایران را به استمرار در آورده ایم، برای حل مشکلات اساسی کردستان و ویژه حصول خودمختاری و ترک مذاکره با هیئت ویژه دولت، پیشنهاد می شود، هیئت مرکب از سید عزالدین حسینی، حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (شاخه کردستان) به شرح برتتکیل تا به ترتیب بر در تمام مراحل

مذاکرات شرکت نمایند.

۱- سید عزالدین حسینی رئیس هیئت نمایندگی خلق کرد

۲- حزب دموکرات کردستان ایران، سخنگوی هیئت

۳- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، عضو هیئت

۴- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (شاخه کردستان) عضو هیئت

مسلمانی پیش از آغاز مذاکرات هیئت مدبور، چارچوب خواستهای خلق کرد و خطوط اصلی مذاکرات را تعیین می کند و در جریان مذاکره

هدفیلا توسط سازمان تهیه شده بود انتشاردهم. تاکیدی می کنم که سازمان چریک های فدایی خلق ایران در مذاکرات جاری صلح تنها از طرح صلح مشترک هیئت نمایندگی خلق کرد دفاع خواهد کرد.

نمایندگان هر یک از اعضا حق دارند در چارچوب تعیین شده مطالبی را که ضروری می دانند، طی یادداشت به سخنگوی تسلیم تا آنرا مطرح نماید. در هر یک از جلسات مذاکرات در موارد مقتضی سخنگوی می تواند در سخن راه هر یک از اعضا به نمایندگی تعویض نماید.

سید عزالدین حسینی حزب دموکرات کردستان ایران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (شاخه کردستان)

رای آشنائی با نظرات و پیشنهادات سازمان در مورد حل مسئله کردستان لازم دانستیم که علاوه بر طرح صلح مشترک، هیئت نمایندگی خلق کرد که به هیات دولت تسلیم شده است طرحی را هم

هوجیگری "توده‌ایها"...

بقیاض صفحه ۴

کرده است... به همین دلیل هم امیربالیسیم با الیزبان ها و زاهدی ها با عده زیادی از عناصر وابسته خودش در کردستان از همان آغاز شروع کرد به فعالیت برای آتش افروزی... متأسفانه رهبری انقلاب از همان آغاز نتوانست خلق کرد را با دادن یک سلسله وعده های عملی وعده هایی که آنها مطمئن شوند به طرز پشتیبانی کامل از انقلاب و هماهنگی با تمام انقلاب بکشد... این باعث شده است که ضعیف انقلاب در آنجا امکان نفوذ و فعالیت پیدا کند... الان وضع بفرنجی در کردستان پیدا شده، زیرا دیگر اصلاحات فقهی و انقلاب را به این آسانی نمی توان پیدا کرد که در کردستان عمل می کند... معلوم نیست این پاسداری که شب گذشته می شود به دست کی کشته می شود؟ ساواکی است که او را می کشد یا کرد واقعی متعصب است یا نماینده الیزبان و با اصلاحات عامل خارجی است که کار هارا انجام می دهد... معلوم نیست..."

حتماً در ستایش از همین دودوزه بازی هاست که "توده‌ایها" فریاد می زنند.

"درد بر کیمه مرکزی حزب ما" لیکن از نظرم، این ارتجاع محض است. فقط دشمنان خلق کرد می توانند مدعی شوند که چون خلق کرد به خواسته هایش نرسیده باشد انقلاب همگاری می کند. فقط دشمنان خلق کرد می توانند فرزندان دلاور کردستان را عامل امیربالیسیم بخوانند.

زحمتکشان کردستان نمی بینند "توده‌ایها" چه می گویند؟ آنها با صراحت اعلام می دارند که چون خلق کرد به خواسته ها و هدف هایش نرسیده و اینک از این اهداف دفاع می کند، در واقع با ضد انقلاب همگاری می کند و ضد انقلابی شده است و مادام که اهداف هایش دفاع می کند، ضد انقلابی است. آنها می گویند خلقی که برای خواسته های عادلانه اش اعلام و اعلام با پیکارهای انقلابی اش در برابر تجاوز و قتل عام و اعدام های وحشیانه به مقاومت پرداخته است، ضد انقلابی است. این است معنی مارکسیسم - "لنینیسم" "توده‌ایها". این سیاست به معنی واقعی کلمه یک سیاست ضد کمونیستی است.

دبیرکل حزب توده در جای دیگری از همین مصاحبه و پس از آن که مقاومت خلق کرد را به ساواک و عوامل پالیزبان نسبت می دهد به شیوه ای پلیسی و توطئه گرانه اعلام می دارد که "هم اکنون در کردستان اتحاد سه گانه کمیته کشاورزان، حزب دموکرات و چریک های فدائی خلق علیه دولت

ساری ارباطران بر حوالت در اسب خطر متغی العولند که مسئله کردستان به مراتب عمیق تر از آن است که بتواند علت آن را تنها با تاثیر بحریکات ضد انقلاب بوسیله داد. شک نیست که آن خط مشی که کار کردستان را به مخالفه سیاسی و نظامی کشاند، یک خط مشی ضد انقلابی بود و طراحان اس خط مشی. امیربالیسیم و بینه امیربالیسیم امریکا و صهیونیسم و عابای رژیم مغفوری بملوی بوده هستند

باید از توده‌ایها پرسید که بالاخره این امیربالیسیم "صهیونیسم" و "عوامل رژیم سابق" که با بودند و کجا هستند و چگونه این حکم را به خلق کرد تحمیل کردند؟ ما مطمئن هستیم که "توده‌ایها" هرگز جرات نخواهند کرد به این سؤال صریحاً پاسخ دهند.

اما هرکس متن بالا را به دقت بخواند، با همه مبهم گویی و شیوه های موبانه ای که نویسنده به خدمت گرفته، متوجه می شود که "توده‌ایها" نیروهای را که در کردستان در برابر تجاوز سرکوبگران یعنی در برابر باند مرتجع وابسته به امیربالیسیم به مقاومت برخاسته اند، عامل "امیربالیسیم" "صهیونیسم" و "نقابای رژیم قبلی" معرفی کرده اند. شارلاتانیسم، عوام فریبی و مبهم گویی که هر سیاست باز بی معیار بورژوازی از عهده آن بر می آید. سراسر نوشته های "توده‌ایها" را در بر گرفته است. فقط آنها بی کسبه می خواهند منافع توده ها را قربانی کنند، با چارند توده ها را فریب دهند و آنها که ناچارند توده ها را فریب دهند، هرگز نمی توانند بازبان صراحت و صداقت سخن گویند.

مارکسیسم - لنینیسم مکتب صداقت، صراحت و ایمان به قدرت توده ها است. از این رو است که کمونیست ها برخلاف اپورتونیست های عوام فریب هرگز توده ها را فریب نمی دهند

"توده‌ایها" این جنبش حماسه آفرین مقاومت را محکوم می کنند و حیل گرانه علیه خلق کرد و سازمان چریک های فدائی خلق ایران به منبر می روند و رهبرشان در موعظه ۱۶ مهر خود چنین می گوید: "اگر فدائیان در کردستان حضور ندارند، چرا تکذیب نمی کنند؟"

والیته سازمان چریک های فدائی خلق ایران بنا به وظیفه انقلابی خود که بارها بر آن پافشارده است، اعلام می دارد که فدائیان بخشی از نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد بوده و هدوش خلق قهرمان کرد تا آخرین قطره خون خود در کنار خلق خواهند ماند.

در شرایطی که جنبش مقاومت خلق کرد در برابر یورش سرکوبگران قهرمانانه ایستادگی می کرد، به بینندگان گمانی رهبر "توده‌ایها" درباره این مقاومت قهرمانانه چگونه قضاوت می کند.

ما خوش می دانیم که ضد انقلاب در کردستان بخصوص نقش فوق العاده موثری بازی کرده و از ابتداء هم نیروی خود را در آنجا متراکم

در مصاحبه وزیر کشاورزی با رسانه های گروهی که در تاریخ پنجشنبه ۱۹ مهر ماه در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید سیاست های کشاورزی درست تشریح شد.

در ابتدای مصاحبه وزیر کشاورزی اعلام می دارد:

"با گذاردن قانون رفع تصرف عدوانی معروف به قانون هیئت ۵ نفری و بعد از آن صدور اعلامیه ها و دستور العمل های لازم به ادارات کشاورزی کشور، تا اندازه ای تا مین شد و از بی نظمی ها و تصرفات عدوانی اشخاص طماع و منجاور هنوز هم جلوگیری می کنند..."

ببینیم از نظر آقای وزیر کشاورزی چه کسانی متجاوز و طماع هستند و دولت از تصرف زمین های چه افرادی مخالفت به عمل می آورد. برای روشن شدن این مسئله کافی است به سیاست چند ماهه دولت در مورد دهقانان نظری بیافکنیم.

به زعم آقای وزیر کشاورزی متجاوز و طماع کشاورزان هستند که سال ها مورد استثمار و ستم وحشیانه زمین داران بزرگ و خان ها بوده اند و اکنون خواهان حاکمیت سرزمین های خویشند. اما این خواست منطقی آنان با گلوله پاسخ داده می شود کافی است جنگ اردیبهشت ما گذشته کند و جنگ کردستان را بررسی کنیم. این مسئله آنقدر عیان بود که حتی آقای بهادران فرستاده امام سر، ریشه های جنگ

جمهوری اسلامی و مسئله دهقانان

راضی امیربالیستی از دیدگاه ایشان تمامی دهقانان را صاحب زمین کرد و گویند به عنوان یک حرکت مترقی جهت تامین منافع دهقانان به اجرا درآمد. اما مقایسه تشابه فکر عالمین اجرای اصلاحات ارضی و ایشان را به عهده خواننده می گذاریم. تنها به این نکته باید اشاره شود که اصلاحات ارضی مورد تأیید آقای وزیر یک حیل زبرکانه امیربالیسیم برای نامین هر چه بیشتر منافع خود از طریق ایجاد و گسترش صنایع وابسته و تامین نیروی کار لازم جهت این صنایع و توسعه بازار فروش کالا های امیربالیستی بود. اما علیرغم اصلاحات با محتوای ذکر شده مادر منطقی نظیر کردستان شاهد وجود حاکم ها و مالکین بزرگ می باشیم و مبارزات فخرمانانه دهقانان جهت احقاق حقوق اردسترنه خود سا فائتوم های جمهوری اسلامی پاسخ داده می شود. اما مسئله اساسی در مصاحبه وزیر کشاورزی مالکیت نامحدود مالکین است. عا س سخن از مصاحبه توجه کنیم: "ما می گوئیم مالکیت از آن کسی است که زمین را احیا کرده،

راتوطئه مشترک فتوادل های منطقه آقای چمران اعلام نمود. اما نکته دیگر مصاحبه، پاسخ وزیر کشاورزی به سؤال خبرنگار در مورد وضع فتوادلته در ایران است. من فکرمی کنم، هیچوقت یک چنین چیزی در ایران بوده باشد. آن صاحب زمین و فتوادل وقتی زمین اش را می فروخته سه سروهایش "راهم می فروخته بنا بر این با این توصیف فتوادلته در ایران معنی ندارد". سپس ادامه می دهد: "بعد از اصلاحات ارضی که مراحل عدیده داشت مرحله اول آن این بود که تمام کسانی که بیش از یک ده داشتند فقط یک دهه برایشان باقی می ماند و تمام مازاد را دولت خرید و قسمت کرد میان دهقانان "به نظر آقای وزیر صرفاً وجود "سرف" و خرید و فروش انسان ها بار من معیار استثمار دهقانان است و چون مالک زمین دهقان را بر روی زمین نگه نمی دارد بلکه او را به راحتی از زمین بیرون می اندازد و تمامی هستی او و خانواده اش را به غارت می برد پس فتوادلته در ایران وجود ندارد. خصوصاً که اصلاحات

این مقاله قبل از تظییروز پرکشاورزی تهیه شده بود، از آنجا که حاوی مطالب مهمی بود و رؤس آن هنوز مورد قبول حاکمیت است، اقدام به چاپ آن کردیم.

این چیزی است که امام می گویند در قانون مالکیت، موقعی که شورای انقلاب گفت باید تبصره بگذاریم تا حدود مالکیت مشخص شود اما امام قلم کشید و رویش و گفت در اسلام مالکیت حدودی ندارد. تازمانی که فرد زحمت می کشد و به کسی ضرر نمی رساند و تازمانی که از طریق مشروع سرمایه دارد، مال خودش است. ما باید ابتدا تفاوتی بین انقلاب کمونیستی و انقلاب اسلامی قائل شویم و تفاوتی بین سیستم اقتصادی اسلام که مالکیت شخصی را محترم می شمارد و سوسیالیسم که مالکیت اجتماع را محترم می داند..."

آقای وزیر کشاورزی مالکیت را متعلق به احیاء کننده زمین می داند یعنی کسی که سرمایه دارد و می تواند به کار گرفت... زحمتکشان بر روی آن حاصل دسترنج توده های زحمتکش را غارت نماید. این امر زمین دار را هر روز ثروتمند تر و توده های زحمتکش را هر چه بیشتر فقیر خواهد نمود و همین است که محدودیت مالکیت فم بطلان می خورد و به مبارزه دهقان برجست عدالغلاب زده می شود. اما کشاورزان ماکه سال ها تحت همین

حنگ می کنند. دبیرکل "حزب توده" به خیال خودش فدائیان را متهم به شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد می کند. غافل از آن که فدائیان دفاع از منافع خلق کرد را افتخار خود می دانند و آن را به صراحت اعلام می کنند. کیاوری پس از اینکه پیروز مندان (به خیال خودش) بر قطعه ضعف مانگشت گذاشته و ذهن رژیم را متوجه آن ساخته و در عین حال وفاداری خود را نیز به رژیم نشان می دهد، در پاسخ به این سؤال که شما چه مدركی در مورد دخالت فدائیان در کردستان دارید؟ چنین پاسخی دهد. "مدركی نداریم. ولی اولاً اعلامیه دولت است، ثانیاً اعلامیه خود چریک ها، اینها برای ما مدرك است. اگر آنها تکذیب کنند، مسئله طور دیگری خواهد بود. خبرنگار می پرسد:

"من اعلامیه ای از طرف دولت ندیده ام."

دبیرکل حزب توده در پاسخ چنین می گوید: "ما خیال می کنیم که در خود کردستان اعلامیه ای منتشر شده است. به عنوان جبهه ای که در آنجا تشکیل شده سازمان اتحادیه کشاورزان، که گروهی است و سازمان چریک های فدائی خلق و حزب دموکرات کردستان در آنجا اعلامیه های زیادی منتشر شده و ما معتقد هستیم که دولت این اسلم می داند که اینچنین هست. اگر سازمان چریک های فدائی خلق رسماً تکذیب کند، اصلاً مسئله دیگر پیش نمی آید. آنوقت جداً ما در یک وضع تازه ای قرار خواهیم گرفت. ولی ما تکذیبی ندیده ایم. در تمام روزنامه "کار" هم ما هیچ تکذیبی ندیده ایم که سازمان چریک های فدائی خلق در حوادث کردستان دخالت ندارد. چون این همه اتهام (تاکید از ما است) زده می شود که به نام افراد وابسته به سازمان کسانی را به اعدام محکوم می کردند، لازم بود که سازمان چریک های فدائی خلق حتماً تکذیب می کرد که سازمان، مانع نیست افرادی ممکن است انجام باشند ولی سازمان ما مسئله طور دیگری می شود."

"توده‌ایها"، مگر شما نمی گوئید دیگر خیانت را کنار گذاشته اید؟

پس در برابر این دشمنی آشکارا جنبش خلق کرد و این کینه توری ها علیه کمونیست های ایران، در برابر این سیاست های ضد توده ای چه می گوئید؟ کسی که جانب سرکوبگران خلق کرد را می گیرد و علناً با خلق کرد و رهبری می دفاع آن به دشمنی برمی خیزد چه نام دارد؟ ما تردید نداریم که مردم آگاه ایران، به ویژه خلق قهرمان کرد تنها هرگز فریب ادما های شمار نمی خورند، بلکه به وضوح می بینند که "توده‌ایها" به کشف شیوه های نوینی در شارلاتانیسم و خود فروشی سیاسی نایل آمده اند.

عناوین به وحشیانه ترین شیوه های ممکن مورد استثمار قرار گرفته و شدیدترین سرکوب ها را متحمل شده اند اکنون به خوبی دریافته اند که باید خود حاکم بر سر نوشت خویش باشند و حقوق از دست رفته خود را با مبارزات تپاهی جان از دست غاصبین خارج سازند تحقیق این امر تنها از طریق شورا های دهقانی که نمایندگان منتخب زحمتکشان روستا هستند... امکان پذیر است.

ما زمین را از آن کسانی می دانیم که روی آن کار می کنند و معتقدیم که روستائیان ما با تشکیلات شوراهای واقعی خود می توانند تمامی زمین های زمین داران بزرگ و متجاوزین را صادره نموده و از طریق حاکمیت شوراها تولید و توزیع راحت کنترل خویش در آورند.

نطفه های اینگونه شوراها هم اکنون در گنبد در حال تکوین و تکامل است و در کردستان نیز تا حدودی شکل گرفته بود اما وحشت زمین داران بزرگ و ارتجاع حامی آنان از رشد و گسترش آن مخالف به عمل آورد و جنگی ناخواسته را بر دهقانان و توده های زحمتکش کرد تحصیل کرد.

دهقانان، تنها از طریق متشکل شدن در شوراهای خود و با اتحاد و تحت رهبری طبقه کارگر قادر خواهند بود حاکمیت خویش را تحقق بخشند و از وضع نابسامان فعلی رهائی یابند.



نظری بر صف آرائی های درون حاکمیت

آنچه که در زیر می خوانید قسمتی از یک گزارش سیاسی است. از آنجاکه مطالعه این گزارش به خوانندگان ما یاری می رساند که پدیده های سیاسی امروز میهن ما را درست تر درک کنند، مبادرت به درج آن نمودیم.

در مقابل ایده های فوق سید احمد خمینی بعد از این که اندر ز می دهد "خلاصه برادران زیر بار رئیس جمهوری نروید و بیاید مملکت را بگوئیم شورا بایا اداره کند." ولایت فقیه را که معتقد است "از اصول مسلمه اسلامی است" اینطور توصیف می کند که "نه تنها با دموکراسی سازگار است، که ما را از یوغ امریکای و روسای جمهوری ووزرا" و نخست وزیران امریکائی (که در آینده می آیند) - در طول تاریخمان اینطور می دهد - خواهد شد! - اینها نجات می دهد ولی اگر رئیس جمهوری و نخست وزیر امریکائی نباشد، رئیس جمهوری و نخست وزیر نمی شود! (انقلاب اسلامی ۲۴ مهر - مصاحب) زمانی که بنی صدر اعلام می کند ولایت فقیه با استبداد فقها فرق دارد (با مداد ۲۲ مهر) زمانی که بهشتی گرداننده خیمه شب بازی مجلس خبرگان اعلام می کند که حضرت خدیجه نیز سرمایه دار بود سرمایه دارانی نیز هستند که طرفدار انقلاب اسلامی هستند (روزنامه دنیا ۲۲ آبان) گویای این واقعیت است که سخنگویان اقشار و طبقات گوناگون هر یک می گویند حکومت اسلامی را به خدمت خود در آورند و محتوای آن را بر طبق منافع طبقاتی خود بازسازی نمایند. تحولات اخیر را اگر "سجده"

زمانی که بهشتی گرداننده خیمه شب بازی مجلس خبرگان اعلام می کند که حضرت خدیجه نیز سرمایه دار بود و سرمایه دارانی نیز هستند که طرفدار انقلاب اسلامی هستند، گویای این واقعیت است که سخنگویان اقشار و طبقات گوناگون هر یک می گویند حکومت اسلامی را به خدمت خود در آورند و محتوای آن را بر طبق منافع طبقاتی خود بازسازی نمایند.

اتوپیس ماقبل سرمایه داری خرده بورژوازی در محراب واقعیت های کنونی جامعه ندانیم، پس چه باید دانیم؟ بر اساس زمینه ترسیم شده فوق بود که مانور حدید امریکائی با زگرداندن شاه و مذاکره لیبیرال ها و با د امریکائی یعنی چمران، یزدی با برزیل، کسبی مشاور مخصوص کارتر و طبرجی سیاست های امپریالیسم امریکائی به بحران سیاسی موجود در جامعه دامن زد و جناح امام امکان داد که مواضع خود را تحکم بخشد و با تسخیر سفارت امریکائی دیگر چهره نماید. تسخیر سفارت امریکائی بر مناسبت بحران اقتصادی که در تمامی حسیه های زندگی اجتماعی بوده ها انعکاس آسکار سدا کرده بود، همچون حرفهای ایفیل - در حال تعمیق راگامی دیگر به پیش راند و مواج مخالف سا امپریالیسم امریکائی را سران راه لرزه در آورد. اکنون جو عمومی کشور عمیر کرده است و بوده های انقلابی با احساس ردی عمیق بر احیاناً امام، در مد نظر است. ساسی جامعه، کافیه به حوسا حوسا باز کرده اند. خصوصاً جدیداً جامعه سازنده فلسفه امپریالیسم امریکائی، سبب جولانی در روابط ایران با کشورهای امپریالیست دیگر، با کشورهای اردوگاه حوسا و سروهای ارتحائی و صرعی منفذ خواهد شد که مستقیم از جولان داخلی جامعه با صرعی گذارد. ادامه داد.

صدر اسلام را در مدنظر دارد، جای خاصی یافته است. نظریه ولایت فقیه که در سال های اخیر توسط آیت الله خمینی بازسازی و تدوین شده است در اصل معتقد است "حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است... یگانگی قانونی که برای مردم متبع و لازم الاجراست همان قانون خدا است... در این صورت حکام حقیقی همان فقها هستند پس حاکمیت باید رسماً به فقها تعلق بگیرد (نقل از کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی اثر امام خمینی صفحات ۵۵ و ۶۰) اما از آنجاکه این رونما هم با مناسبات تولید موجود و هم با منافع واقعی خرده بورژوازی عمیقاً در تضاد است این ایده می شکند و باید بشکند و از نظر مضمون طبقاتی و تاریخی بازسازی شود. بدون این بازسازی و بدون تطبیق این ایده با واقعیت، آیت الله خمینی به هیچ وجه قادر به حفظ حمایت توده های خرده بورژوازی نخواهد بود. این پرسو از هم اکنون آغاز شده است. دیگر جریان های طبقاتی هم که فرهنگ اسلامی را به خدمت اهداف

جناح امام حرکت هایی را در زمینه های یاد شده از چند وقت پیش آغاز کرد. او مجبور بود به مقابله لیبیرال ها با خود که دیگر در سطح جامعه آسکار انعکاس یافته بود، سرو سامان دهد. لیبیرال های مذهبی نیز که در خارج از دایره قدرت بودند در اشکال راهپیمائی "بیعت با امام" و افشای آن ها در مساجد و منابر مقابل شدند. و آن دسته از لیبیرال هایی که در دایره روحانیت و مذهبیون نبودند با برچسب "غرب زدگان" نامی زوا کشیده شدند. تعدادی از لیبیرال هایی که در قدرت بودند، برکنار شدند و مسئولیت های آنها با زینس گرفته شد. مهرهای امریکائی نظیر یزدی، مولوی، اردلان... از مقام های رسمی خود معزول شدند. بازرگانان ار صدارت برکنار شدند و کم اهمیت تری را افعال نمود. کسانی مانند صدر حاج سید - نوادی مختار شدند که بر حسب اعتقادات خود، خارج از دایره قدرت، به سرد خود ادامه دهند یا این همه سرد همچنان ادامه دارد. دکتر بهشتی دبیر شورای انقلاب است و بازرگانان همور صاحب نفوذ بود و حوسا به راه تسخیر سب شورای انقلاب لیبیرال ها موفقیست جنمگیری دارند. سیاستهای امپریالیستی هموزم در سفارت خانه ها و وزارت دفاع ارتش وارد بود. تلویزیون کم و بیش حاکم است. وجه غالب روحانیت که در خرده بورژوازی مکی است، محور است نهاد های سیاسی ایران های کهن خود و منافع واقعی خرده بورژوازی را حل کند. در زمان آرمای خواهی و اس کرانسه روحانیت، ولایت فقیه حکومت اسلامی که همان الگوهای خلاص

توده ها، علی الخصوص اقشار وسیع زحمتکشسان از او آشکارا نشانه های از افول، به چشم می خورد. سیاست سرکوب خلق کرد و کشتار مردم گردستان نتایج دهشتبار خود را آشکار ساخته بود. جنبش مقاومت خلق کرد، به پیروزی های درخشانی دست می یافت و این امر سرتاسر ایران را زیر تاثیر خود می گرفت. لازم بود از سیاست سرکوب خلق کرد، به فور موقتی هم که شده دست کشیده شود، تمایل طبقاتی امام و فشار نیروهای اجتماعی که وی بدانها وابسته بود ضرورت مبارزه جدی تر با امپریالیسم امریکائی را در دستور قرار می داد. گسترش روز افزون مخالفت های پنهان و آشکارا قانون اساسی به غایت ارتجاعی مجلس خبرگان و ضرورت تثبیت آن به پشتوانه اعتقادات مذهبی توده ها و عدم اعتماد آنان به امام نیز شدیداً مطرح بود.

جناح امام حرکت هایی را در زمینه های یاد شده از چند وقت پیش آغاز کرد. او مجبور بود به مقابله لیبیرال ها با خود که دیگر در سطح جامعه آسکار انعکاس یافته بود، سرو سامان دهد. لیبیرال های مذهبی نیز که در خارج از دایره قدرت بودند در اشکال راهپیمائی "بیعت با امام" و افشای آن ها در مساجد و منابر مقابل شدند. و آن دسته از لیبیرال هایی که در دایره روحانیت و مذهبیون نبودند با برچسب "غرب زدگان" نامی زوا کشیده شدند.

تعدادی از لیبیرال هایی که در قدرت بودند، برکنار شدند و مسئولیت های آنها با زینس گرفته شد. مهرهای امریکائی نظیر یزدی، مولوی، اردلان... از مقام های رسمی خود معزول شدند. بازرگانان ار صدارت برکنار شدند و کم اهمیت تری را افعال نمود. کسانی مانند صدر حاج سید - نوادی مختار شدند که بر حسب اعتقادات خود، خارج از دایره قدرت، به سرد خود ادامه دهند یا این همه سرد همچنان ادامه دارد. دکتر بهشتی دبیر شورای انقلاب است و بازرگانان همور صاحب نفوذ بود و حوسا به راه تسخیر سب شورای انقلاب لیبیرال ها موفقیست جنمگیری دارند.

سیاستهای امپریالیستی هموزم در سفارت خانه ها و وزارت دفاع ارتش وارد بود. تلویزیون کم و بیش حاکم است. وجه غالب روحانیت که در خرده بورژوازی مکی است، محور است نهاد های سیاسی ایران های کهن خود و منافع واقعی خرده بورژوازی را حل کند. در زمان آرمای خواهی و اس کرانسه روحانیت، ولایت فقیه حکومت اسلامی که همان الگوهای خلاص

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانگی خرده بورژوازی، از هر اسرو روحانیت

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانگی خرده بورژوازی، از هر اسرو روحانیت

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانگی خرده بورژوازی، از هر اسرو روحانیت

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانگی خرده بورژوازی، از هر اسرو روحانیت

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانگی خرده بورژوازی، از هر اسرو روحانیت

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانگی خرده بورژوازی، از هر اسرو روحانیت

گروه های جدیدی را به عضویت پذیرفت. باند امریکائی بهزعامت چمران و شرکا، محور سیاست خویش را سرکوب جنبش توده ای و احیای وابستگی قرار دادند. در جریان پیشرفت این سیاست بود که مهره های رژیم منفور شاه، و سرپرندگان به امپریالیسم امریکائی

نمایندگان سیاسی انحصارات وابسته می گویند ایده های قشری روحانیت را ماهرانه به خدمت بگیرد، از گرایش ارتجاعی و ضد کمونیستی آنها استفاده کند و از این طریق سیاست های خود را جهت تحکیم سلطه امپریالیسم پیش برند.

آتی جامعه ایران را در جهت تثبیت وابستگی به حرکت در آورد. از این نظر ماهرانه از گرایش ارتجاعی و ضد کمونیستی قشریون استفاده می کرد و بر جنبش بستنری سیاست های خود را پیش می برد. این کوشش، هنوز هم ادامه دارد. لیبیرال ها برای اینکه بتوانند خود را به سوی قدرت بکشانند از یک سو با بهره گیری از خواست های دموکراتیک توده ها سعی دارند خود را از آزادی خواهان بجزند و از سوی دیگر کوشش می کنند ارگان های اعمال قدرت خرده بورژوازی نظیر دادگاه های انقلاب، کمیته ها سپاه پاسداران و غیره را تسخیر کنند یا از میان بردارند.

بازرگانان زمانی که نتوانستند جلوی دولتی شدن بانکها را بگیرند، کوشش می کرد سرمایه آنها را باز خرید کنند. وقتی لغو قرارداد های دوجانبه، به ویژه قرارداد های نظامی امپریالیست ها و به ویژه با امپریالیسم امریکائی مطرح می شد، امپریالیسم و یزدی و بازرگانان از طریق به عنوان مختلف طفره می رفتند. میشی مایل طفره دادگاه های انقلاب لغو شود و دادگستری دو مرتبه برپا شود. دولت و "تزیه" مایل بودند اهرم نفوذ را در اختیار خویش بگیرند، لیبیرال ها مایل بودند حداقل حقوق کارگران را بالا ببرد ولی به اس کار مجبور شدند. مولوی و علی اردلان کوشش داشتند به سرمایه داران وابسته طمعان های لازم را دهند.

در حالی که حاسی از لیبیرالها به ویژه سهم آزادی کوشش می کنند درون حاکمیت در برابر روحانیت و اسنه خرده بورژوازی استنادگی نماید، جناح مذهبی به رهبری تریتعمداری و حوسا جمهوری خلق ملمان کوشش دارد با تکیه بر ناآگاهی توده های تحسب ستم آذربایجان و اتخاذ پوز لیبیرالی و آزادی خواهی در مورد گردستان و دست ردن سبب اعتصابات عمومی به سانساز متوسل شود و دولت را از بیرون تسخیر کند. جناح غیر مذهبی لیبیرال ها به سرکردگی جبهه ملی دست به تحدید سازمان زدو

آیت الله خمینی: "حاکمیت باید رسماً به فقها تعلق گیرد". آیت الله شریعتی: "حاکمیت باید بازرگان و شرکا، باید حاکمیت ملت باشد". مجاهدین خلق و مولفین: "باید حاکمیت مردم تصریح شود".

فسری ارکوسم و گسترش حوسا نوده ای و ارتعابلات ارتجاعی روحانیت فسری ناآحاکم که می تواند سود جوید و اهدان خود را متحقق سازد. اس ساس در مدارک طرح سرکوب خلق کرد به موقعب هائی دست یافت. سکی ار هدف هائی که در دامن ردن سه حوسا گردستان و تحمیل آن سه خلق کرد، تعقیب می شد. سیاست تحکیم ارتش و سبب اعتبار برای آن بود.

جناح امام، با حفظ گرایش و تمایلات و این گرانه خود، در تمام این مدت محور بود که گرایش انقلابی توده ها با سبب دهد. چه در عرایب صورت نفوذ خود را از دست می داد. دز حوسا

جناح امام، با حفظ گرایش و تمایلات و این گرانه خود، در تمام این مدت محور بود که گرایش انقلابی توده ها با سبب دهد. چه در عرایب صورت نفوذ خود را از دست می داد. دز حوسا

جناح امام، با حفظ گرایش و تمایلات و این گرانه خود، در تمام این مدت محور بود که گرایش انقلابی توده ها با سبب دهد. چه در عرایب صورت نفوذ خود را از دست می داد. دز حوسا

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

بد دعوت دانشجویان پیشکام و در ادامه یک گرد همانی در دانشکده ملی تکنیک

ده ها هزار نفر در راهپیمائی ضد امپریالیستی شرکت کردند



بسرکردگی امپریالیسم امریکا بر سر مبارزه طبقاتی ای که متوجه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است جریان می یابد. در مسیلهائی از این پیام آمده است: تسخیر مرکز جاسوسی امریکا امواج مبارزات ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم امریکا، افسان دشمن اصلی خلق های مارا را زده است. انتشار و تعمیق این مبارزات، شرکت فعال و انقلابی در آن از وظایف مبرم همه کسان است که در راه استقلال، کسار مسکن، آزادی، مصمم اند مبارزه بگیر و بی امان را علیه دشمنان کارگران و زمینکنان و تمامی خلق های ستمدیده و قهرمانان ایران به پیش رانند.

تسخیر سفارت امریکا و مبارزه برای استرداد شاه باید تا بغولکلیه قراردادها و قطع وابستگی اسارت بار اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم امریکایه پیش رانده شود. در این راه با تمام دروازه های با شیوه محموم، نیروهای آگاه و انقلابی در مقابل حرکت افشار و طبقات مختلف در جریان مبارزه ضد امپریالیستی و همچنین در مورد تلخ دگرگون کردن در کردستان آمده است.

بسرکردگی امپریالیسم امریکا بر سر مبارزه طبقاتی ای که متوجه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است جریان می یابد. در مسیلهائی از این پیام آمده است: تسخیر مرکز جاسوسی امریکا امواج مبارزات ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم امریکا، افسان دشمن اصلی خلق های مارا را زده است. انتشار و تعمیق این مبارزات، شرکت فعال و انقلابی در آن از وظایف مبرم همه کسان است که در راه استقلال، کسار مسکن، آزادی، مصمم اند مبارزه بگیر و بی امان را علیه دشمنان کارگران و زمینکنان و تمامی خلق های ستمدیده و قهرمانان ایران به پیش رانند.

به منظور شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده های مردم و تعمیق آن و در رابطه با تسخیر سفارت امریکا در تهران در روز جمعه ۲۵ آبان یک گرد همائی و راهپیمائی در بزرگترین دانشگاه ایران پیشکام صورت گرفت. ده ها هزار نفر با شعارهای مبارزانه در جمع دانشکده ملی تکنیک و محوطه اطراف آن گرد آمده، شعار می دادند. شعارهای: تسلیم، سربد، امریکا، مرگ بر امریکا، سپاره رهایی، احسراج امریکائی، مسنگ با فرانس پیام دانشجویان پیشکام آغاز شد. در این پیام با ناکند بر او حگری مبارزات ضد امپریالیستی توده های رجمکنان ایران به مصداق شعار انقلابی "عذار شاه بوسه بامریکا" نثارش های سازشکاران لبرال و مرتجعین برای انحراف کاندن و در انحمار گرفتن این مبارزات به منظور محدود کردن آن به مبارزه برای نارس گرفتن ساد مخلوع محکوم گردید. در مسیله دگر آراسی گرد همائی پیام سازمان چریک های فدائی خلق ایران فراتر شد. در این پیام ضمن اشاره به عطف روحیه ضد امپریالیستی خلق های ایران، بر این نکته تاکید شده است که مبارزه با امپریالیسم جهانی

سرپرست رادیو تلویزیون می خواهد خود را انقلابی جا بزند

سرپرست رادیو تلویزیون اسلامی، از ابتدای ورود به ایران ماهیت مزد مری خود را آشکارا کرده و آن را سر بر سر گذاشته است. او خود تلویزیون را محور در راه خدمت خدا می بیند و سینه برای دست بردن بر روی امریکائی بدگمن گرفته است. حال که با روخند سرد جواب داد و صد امپریالیستی مردم رو بر سر نهاده است برای اینکه از فاصله عیب نماید و بر یکس دیگر شرکاتش یعنی بزنی و خسرا را و غیره که ناخود آوری بوفعت ساز را دست داده اند خود را مسیبت کرده اند. جلسه هفتا و عوامفریبی های تازه ای را آغاز کرده است. او که تا دیروز در همه سخنرانی ها و پیام های گوناگون از رادیو - تلویزیون آوازه دادند خود را از سازشکاران بددم سبب دانده و با جار تمام شلجانه و شکرهمه پس مادیستادی کرد حالا با است ناخو موجود رنگ عوض کرده است و می خواهد با به راه انداختن هو و جنجال

از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ویژه تسخیر سفارت آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و دانشجویان
رای و مسووریات
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
و همه خلق های ایران
تسلیم نشوید

توسط امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

لازم به تذکر است که ۱۵۰۰ نسخه از این جزوه توسط ما در تهران کمیته مرکزی انقلاب اسلامی به ریاست آقای کنسی که گویا ایشان هم به تازگی مدعی ضد امپریالیست بودن، شده اند، توقیف شد.

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریک های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همه متکسبی بر پیشینسای هواداران است. کمک های مالی خود را هر طریق که می شناسد و اطمنان دار بد دست رفقای سازمان برساند. اگر آنجا که موهه هائی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان جمع آوری کمک های مالی مبادرت کرده اند، به دوستان و رفقا بوجه می گم برای اطمنان از دریافت کمک ها سانس توسط سازمان به رابط دریافت کننده بول یک عدد کاملاً دلخواه هم که حمایت خود را اعلام کرده اند به عنوان "کمک" بدهند. سازمان کم مورد اسخا با سازمان مللی (بهریال) که به سازمان پرداخته اند جمع کرده و مجموع آن را در سر به کار به حساب می رساند. شما مشاهده این عدد و تأیید صحت آن می بواستد از دریافت مبلغ توسط سازمان اطمنان کنید. به عنوان مثال هرگاه شما ۵۰۰ ریال به سازمان پرداخت کرده باشید و ۸۴۹ ریال به عنوان "کمک" خود اسخا کرده باشید، حمایت در ستون مربوطه عدد ۱۳۴۹ را مشاهده کردید، می بواستد اطمنان کنید که مبلغ پرداختی شما سازمان رسیده است. ناملاً شما به مبلغ پرداختی شما ۱۰۰۰۰ ریال باشد و "کمک" مورد اسخا شما ۲۰۰۲۶ ریال باشد، اگر عدد ۳۰۰۲۶ را در ستون مربوطه مشاهده کردید، اطمنان حاصل کنید که مبلغ پرداختی شما به سازمان رسیده است.

قانونی که قانون بیکار علیه سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نباشد، قانونی که متضمن تأمین حقوق خلقهای تحت ستم ایران نباشد، قانونی که شوراها و واقعی مردمی را به رسمیت نشناسد، قانونی که حق برابری زنان با مردان را آشکارا پایمال سازد

قانونی که زمین را از آن کشاورزانی نداند که روی آن کار میکنند، قانونی که مالکیت سرمایه داران بزرگ را بر وسایل تولید نفی و ملغی اعلام نکند، و از همه مهمتر قانونی که حق حاکمیت مردم را آشکارا نقض و آن را در انحصار فقها در آورد، قانونی نیست که بتواند مورد تأیید هیچ یک از سازمانهای سیاسی مترقی قرار گیرد و شایسته حمایت توده های قیام کننده ایران باشد.

لغتی از قطع نامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۲ آذر ۱۳۵۸

پیشی بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر